

بخش

تحقیق



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہناز گل خان

پرنسپل جامعہ اسلامیہ

فهرست مطالب

بخش اول

مباحث بنیادین سازمانهای غیردولتی

فصل اول: تعریف سازمانهای غیردولتی

I - تعریف سازمانهای غیردولتی داخلی

الف: تعریف سازمانهای غیردولتی در حقوق فرانسه

ب: تعریف سازمانهای غیردولتی در حقوق سوئیس

ج: تعریف سازمانهای غیردولتی در انگلستان

د: تعریف سازمانهای غیردولتی در حقوق ایران

II - تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی

الف: تعریف سازمانهای غیردولتی در اسناد مؤسسه حقوق بین‌الملل

ب: تعریف سازمانهای غیردولتی در اسناد سازمان ملل متحد

ج: تعریف سازمانهای غیردولتی در اسناد شورای اروپا

فصل دوم: شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی

I - شخصیت حقوقی داخلی سازمانهای غیردولتی

II - شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای غیردولتی

فصل سوم: وضعیت مالی سازمانهای غیردولتی

I - منابع مالی سازمانهای غیردولتی

الف: کمک بخش خصوصی

ب: کمک بخش عمومی

۱- مشارکت دولتها و سازمانهای بین المللی در اجرای طرحهای سازمانهای

غیردولتی

۲- کمک مستقیم

۳- واگذاری اجرای طرحها به سازمانهای غیردولتی

۴- اتخاذ تدابیر مالی به نفع سازمانهای غیردولتی

۵- درآمد سازمانهای غیردولتی

II - مشکلات مالی سازمانهای غیردولتی

الف: عدم امکان پیش بینی و برنامه ریزی دقیق مالی در میان و

بلندمدت

ب: ایجاد وابستگی برای سازمانهای غیردولتی

ج: ارائه بیلان مالی

فصل چهارم: رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین المللی

I - رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین الدولی

الف: رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین الدولی بین المللی

۱- رابطه سازمانهای غیردولتی با جامعه ملل

۲- رابطه سازمانهای غیردولتی با سیستم ملل متحد

- ۲-۱- رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمان ملل متحد
- ۲-۱-۱- شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۱-۲- دبیرخانه سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۱-۳- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲- رابطه سازمانهای غیردولتی با مؤسسات تخصصی ملل متحد
- ۲-۲-۱- سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۲- صندوق بین المللی توسعه کشاورزی و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۳- آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۴- سازمان بین المللی کار و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۵- سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۶- سازمان ملل متحد برای توسعه صنعتی (یونیدو) و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۷- سازمان بهداشت جهانی و سازمانهای غیردولتی
- ۲-۲-۸- گروه بانک جهانی و سازمانهای غیردولتی
- ب: رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین الدولی منطقه‌ای
- ۱- شورای اروپا و سازمانهای غیردولتی
- ۲- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سازمانهای غیردولتی
- ۳- اتحادیه اروپا و سازمانهای غیردولتی
- II- رابطه سازمانهای غیردولتی با یکدیگر
- الف: رابطه میان سازمانهای غیردولتی در سطح جهانی
- ۱- رابطه میان سازمانهای غیردولتی در چارچوب سازمان ملل متحد

۲- رابطه میان سازمانهای غیردولتی در خارج از چارچوب سازمان ملل

متحد

ب: رابطه سازمانهای غیردولتی در سطح منطقه‌ای

بخش دوم

عملکرد سازمانهای غیردولتی

فصل اول: عملکرد سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

الف: صلیب سرخ و هلال احمر

۱- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

۲- جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر

۳- اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر

ب: سازمانهای غیردولتی بشردوستانه «بدون مرز»

۱- سازمان پزشکان بدون مرز

۲- سایر سازمانهای بدون مرز

۲-۱- سازمان حقوقدانان بدون مرز

۲-۲- سازمان وکلای بدون مرز

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

فصل دوم: عملکرد سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی حقوق بشر

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

الف: سازمان عفو بین الملل

ب: فدراسیون بین المللی حقوق بشر

ج: کمیسیون بین المللی حقوقدانان

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

فصل سوم: عملکرد سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

الف: فعالیت سازمانهای غیردولتی لاییک در قلمرو توسعه

ب: فعالیت سازمانهای غیردولتی مذهبی در قلمرو توسعه

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

نتیجه گیری

سازمانهای غیردولتی و حقوق بین الملل*

دکتر ابراهیم بیگ زاده

مقدمه

مردم الزاماً در رابطه دائمی با قدرت عمومی یعنی دولت هستند این رابطه به دو شکل می تواند تحقق یابد:

- رابطه سامان نیافته مردم با قدرت عمومی (دولت)
- رابطه سازمان یافته مردم با قدرت عمومی (دولت)

در حالت اول که قدرت عمومی بطور مستقیم با افراد در تماس است؛ این دولت است که اقتدار کامل خود را بر آنان تحمیل می کند؛ چون که فرد تنها و منزوی ناشی از انقلاب صنعتی نمی تواند چندان قدرتی در مقابل دولت داشته و آن را وادار به رفع نیازها و برآورده نمودن انتظارات خود نماید و نقش چندانی در اداره عمومی داشته باشد. دولتی که با همسان نمودن همه افراد، جامعه را فاقد هرگونه تنوع و کثرت نموده و النهایه آنرا از هرگونه حرکتی به پیش باز می دارد. حتی اگر چنین جامعه ای با طغیان و شورش موفق به تغییر قدرت در سطح قدرتمندان شود

* نویسنده از مسؤولان کتابخانه مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران به خاطر در اختیار قرار دادن برخی از منابع استفاده شده در این مقاله صمیمانه سپاسگزاری می نماید.

باز در مسیر تحوّل خود مجدداً استحاله شده و به حالت نخست باز می‌گردد؛ و به نظر می‌رسد که این سرنوشت محتوم چنین جوامعی باشد.

در حالت دوم که رابطه افراد با قدرت عمومی رابطه‌ای سازمان‌یافته است، اولاً موازنه قوا میان قدرت عمومی و مردم تا حدّ قابل توجهی تعدیل می‌شود، ثانیاً فضای مناسبی ایجاد می‌گردد تا مردم بتوانند تا حدّ زیادی نیازهای خود را رفع و به انتظاراتشان از قدرت عمومی جامعه عمل پیوشانند و با مشارکت در اداره امور عمومی خود النهایه جامعه‌ای ایجاد نمایند که این روزها تحت‌عنوان جامعه مدنی مطرح می‌باشد. در جامعه مدنی نه تنها مشارکت مردم در اداره امور جامعه تضمین می‌گردد و آنان به بسیاری از خواست‌های خود می‌رسند بلکه جامعه نیز از سرمایه‌های نهفته خود، که همانا انسانهای زبده، مستعد و خردمند هستند، برای پیشرفت خویش استفاده می‌نماید.^۱ این تجمع‌های مردمی که امروزه بطور عمده تحت‌عنوان سازمانهای غیردولتی^۲ شناخته می‌شوند نه فقط در سطح داخلی بلکه در سطح بین‌المللی نیز آثار مثبت خود را نمایان ساخته‌اند. این سازمانها در جامعه داخلی در مقابل دولت نه فقط از خواست‌های مردم دفاع و آنرا وادار به برآورده نمودن آنها می‌کنند بلکه در برابر تعرض دولت به حقوق افراد نیز ایستادگی و از آن حقوق دفاع می‌نمایند. آنها در جامعه بین‌الملل نیز با فعالیتهای خود و با بسیج افکار عمومی جهان دولتها را وادار می‌کنند تا به خواستها و نیازهای شهروندان این جامعه توجه و به برآورده نمودن و رفع

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: محمد بسته‌نگار «بازرگان و تأسیس نهادهای مدنی در ایران»، ماهنامه ایران فردا، شماره ۵۱ سال هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۸-۹.

2. Non-governmental organizations (N.G.O) یا Les organisations non-gouvernementales (O.N.G).

آنها همت گمارند؛ به عبارت دیگر «سازمانهای غیردولتی تجلی انتظارات و نیازهای شهروندان جهانی هستند که در تحول دائمی می‌باشد».^۳

علی‌رغم ماهیت مشترک کلیه این سازمانها یعنی غیردولتی و عام‌المنفعه بودنشان باید گفت که عنوان سازمان‌های غیردولتی حاوی تنوع بسیار وسیعی است، بطوری که نمی‌توان یک الگوی واحدی را برای این سازمانها در نظر گرفت.

فعالتهای این سازمانها تقریباً کلیه عرصه‌های زندگی بشری اعم از مادی و معنوی را پوشش می‌دهند.^۴ همین امر هم سبب شده است که تعداد آنها بطور قابل‌توجهی افزایش یابد بطوری که از ۲۰۳ سازمان در ۱۹۰۹ به ۱۴۲۲ در سال ۱۹۶۰ و به ۲۸۰۶ در ۱۹۶۸ به ۱۰۴۳۷ در ۱۹۸۱ و به بیش از ۱۶۰۰۰ در ۱۹۹۵ رسیده است^۵ و همچنان در حال افزایش است. تقریباً نیمی از این تعداد یعنی حدود ۷۴۰۱ سازمان غیردولتی در اروپا قرار دارند و این نشاندهنده آن است که زادگاه اصلی این سازمانها اروپاست.

از لحاظ تاریخی دو پدیده عمده سبب شدند که این سازمانها در اروپا ایجاد و گسترش یابند...

کتابخانه علوم انسانی و مطالعات غربی
پرتال جامع علوم انسانی

- آیین مسیحیت

- لیبرالیسم سیاسی

3. Lalumière catherine "ONG 89, organisations internationales non-gouvernementales dotées du status consultatif auprès du conseil de l'Europe", Strasbourg, 1989, p. iii.

۴. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به ابراهیم بیگ‌زاده، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، صفحات ۳۲۳-۲۹۳.

۵. ارقام فوق این سؤال را به ذهن متبادر می‌نماید که چرا این سازمانها به این سرعت افزایش می‌یابند و چه تأثیری در روند تحولات جهانی دارند؟

۱- آیین مسیحیت

در آیین مسیحیت و تقریباً در کلیه ادیان کمک به اشخاص نیازمند امری پسندیده است. به همین دلیل کلیساها و نهادهای مذهبی به اشکال مختلف خدمات مورد نیاز اشخاص درمانده را ارائه می‌نمودند. ایجاد مدارس، بیمارستانها و پرورشگاه در قدیم از جمله فعالیتهای همین نهادهای مذهبی بوده‌اند.

البته گاهی از این سازمانها برای پیشبرد اهداف سیاسی هم استفاده می‌شد، برای مثال سازمانهای مذهبی اغلب قبل و بعد از ظهور استعمار نقش مهمی را به عهده داشته‌اند. معذک بسیاری از این سازمانها بعد از استعمارزدایی در سرزمینهای تحت سلطه سابق باقی مانده و به فعالیتهای بشردوستانه و توسعه پرداختند که هنوز هم برخی از آنان به چنین فعالیتهایی ادامه می‌دهند.

۲- لیبرالیسم سیاسی

سازمانهای غیردولتی نمی‌توانند مستقل از قدرتهای عمومی ایجاد شده و فعالیت کنند مگر آن که آن قدرتها مبتنی بر لیبرالیسم و کثرت‌گرایی باشند؛ چون که ایجاد سازمانهای غیردولتی مجموعه‌ای از پیش‌فرضها را طلب می‌کند که بطور خلاصه عبارتند از:

– احترام به استقلال این سازمانها درمقابل دولت

– احترام دولت به حقوق بنیادین افراد مانند آزادیهای اجتماعی،

آزادی اندیشه، آزادی مذهب ...

- پذیرش حق مردم در اتخاذ موضعی غیر از مواضع دولت و متفاوت و حتی مغایر با آن.^۶

این پیش فرضها بطور عمده در کشورهای غربی از قرن هیجدهم و بالاخص از قرن نوزدهم در قالب لیبرالیسم قابلیت تحقق یافتند. نمونه بارز آن «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه می باشد.^۷ در انگلستان سازمانهای نوع دوستی^۸ از قرن نوزدهم به ابتکار خصوصی ایجاد شدند و هدفشان کمک رسانی به انسانهایی بود که به علت انقلاب صنعتی منزوی شده و علیه فقر و عدم برابری اجتماعی مبارزه می کردند. در کشورهای انگلوساکسون نیز ایجاد و توسعه این سازمانها مرهون و مدیون فلسفه لیبرالی است. فلسفه ای که طبق آن افراد باید خود ابتکار اصلاحات اجتماعی را عهده دار شوند.

به همین دلیل هم هست که نمی توان حداقل تا اوایل دهه نود در کشورهای جهان سوم و در کشورهای سوسیالیستی، با توجه به عدم وجود مبانی فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی لازم، شاهد سازمانهای غیردولتی یا حداقل سازمانهای غیردولتی مستقل بود. فروپاشی دیوار برلین و پایان

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Beigbeder, Yves "Le rôle international des organisations non gouvernementales", Bruylant-Bruxelles et L.G.D.J - Paris, 1992, p. 11-14.

۷. برای مطالعه متن این اعلامیه رجوع شود به:

Delmas-Marty Mireille et Lucas de Leysac claude "Libertés et droits fondamentaux", éd du Seuil, paris, 1996, p. 41-45.

همچنین برای تحلیل ماده به ماده این اعلامیه رجوع شود به:

Conac gérald, Debene Marc, Teboul gérald "La déclaration des droits de l'homme et du citoyen de 1789", éd Economica, Paris, 1993, 355 pages.

8. Charité.

جنگ سرد و آزاد شدن فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و رشد و توسعه دموکراسی در برخی از این کشورها این امکان را فراهم نموده‌اند که سازمانهای غیردولتی نسبتاً مستقلی ایجاد و مشغول به فعالیت شوند.^۹ به نظر می‌رسد که مطالعه سازمانهای غیردولتی در واقع مطالعه تحوّل جامعه جهانی است، جامعه‌ای که هرروز بیش از روز قبل به سوی جلب بیشتر مشارکت مردم در اداره امور قدم برمی‌دارد. مقاله حاضر که تحت‌عنوان «سازمانهای غیردولتی و حقوق بین‌الملل» می‌باشد در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول به مطالعه مباحث بنیادین سازمانهای غیردولتی اختصاص دارد، و در بخش دوم عملکرد این گونه سازمانها مورد بررسی قرار می‌گیرد، و سرانجام مطالب با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

9. Beigbeder Yves, op. Cit., pp. 24 et suivants.

بخش اول

مباحث بنیادین سازمانهای غیردولتی

در این بخش ابتدا تعریف سازمانهای غیردولتی، سپس وضعیت حقوقی آنها، و پس از آن وضعیت مالی این سازمانها و سرانجام رابطه شان با سازمانهای بین المللی بین الدولی (اعم از جهانی و منطقه ای) و با یکدیگر مورد مطالعه قرار می گیرند.

فصل اول

تعریف سازمانهای غیردولتی

باتوجه به این که در این مقاله هم سازمانهای غیردولتی داخلی و هم سازمانهای غیردولتی بین المللی مدنظر می باشند لذا ابتدا تعریف سازمانهای غیردولتی داخلی و سپس تعریف سازمانهای غیردولتی بین المللی ارائه می گردند.

I - تعریف سازمانهای غیردولتی داخلی

این تعریف باید باتوجه به مقررات داخلی کشورها ارائه شود، و از آنجا که درک کشورها از ماهیت و فعالیتهای سازمانهای غیردولتی متفاوت می باشد لذا مشاهده تعریف واحدی شاید مقدور نباشد اگرچه شباهتهایی را می توان میان آنها یافت. در اینجا به تعریف این سازمانها در برخی

کشورهای با نظامهای حقوقی رمی - ژرمنیک و کامن‌لو اشاره می‌شود، ضمن آن که به قانون ایران هم توجه خواهد شد.

الف: تعریف سازمانهای غیردولتی در قانون فرانسه

باتوجه به قدمت فعالیت سازمانهای غیردولتی در فرانسه قانون این کشور نیز در این زمینه از طول عمر نسبتاً درازی برخوردار است و درست امسال (۲۰۰۱) مصادف با یکصدمین سال تصویب این قانون می‌باشد. قانون اول ژوئیه ۱۹۰۱ فرانسه در ماده یک خود انجمن را این‌گونه تعریف می‌کند:

«انجمن قراردادی است که طبق آن دو یا چند شخص دانسته‌ها و فعالیتهای خود را بطور دائمی در راه نیل به هدفی غیر از کسب منفعت در میان می‌نهند».^{۱۰}

ب: تعریف سازمانهای غیردولتی در قانون سوییس

ماده ۶۰ قانون مدنی سوییس اشعار می‌دارد که:

«انجمن‌های سیاسی، مذهبی، علمی، هنری، نوع‌دوستی، تفریحی و سایر انجمن‌هایی که هدف اقتصادی ندارند به‌محض این که مؤسسين اراده خود را در قالب اسامنامه‌هایشان دائر بر ایجاد آنها اعلام کردند از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شوند».

۱۰. برای این قانون رجوع شود به:

“La loi du 1er Juillet 1901 relative au contrat d’association” in code civil, Dalloz, Paris, 2000, pp. 1424-1427.

تفاوت این دو قانون در آن است که در فرانسه سازمانهای غیردولتی به محض تشکیل دارای شخصیت حقوقی نمی‌شوند و باید تشریفات دیگری از جمله ثبت را طی نمایند در حالی که طبق قانون سوییس سازمانهای غیردولتی به محض تشکیل دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

ج: تعریف سازمانهای غیردولتی در انگلستان

در انگلستان که نظام کامن‌لو حکومت می‌کند سازمانی غیردولتی محسوب می‌شود که هدفش سودبری نباشد و این امر مستلزم آن است که خود دارای منابع مالی باشد. این منابع هم بطور عمده از طریق مشارکت مالی داوطلبانه اشخاص تأمین می‌شوند.^{۱۱}

د: تعریف سازمانهای غیردولتی در قانون ایران

در ایران این مسأله در قانون تجارت مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۵۸۴ قانون تجارت ایران اشعار می‌دارد:

«تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند».

۱۱. رجوع شود به:

Beigbeder Yves, op. Cit., p. 8.

ماده ۵۸۵ همین قانون، شرایط مؤسسات و تشکیلات مذکور را تابع آیین نامه‌ای که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد نموده است.^{۱۲}

وزارت دادگستری، در همین راستا، در سال ۱۳۳۷ آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی را تصویب نمود. به موجب ماده ۱ این آیین نامه «مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجارتی از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آن که مؤسسين و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند».^{۱۳}

با امعان نظر به قوانین فوق می‌توان گفت که: علیرغم تفاوت‌هایی فیما بین آنها، چند عامل در کلیه این تعاریف مشترک می‌باشند؛ این عوامل عبارتند از:

– داشتن ماهیت خصوصی

– داشتن هدف غیرتجارتی و غیر سودبری

– داشتن نوعی تداوم و استمرار حیات

۱۲. حجتی اشرفی، غلامرضا، «مجموعه قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری»، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵.

۱۳. «آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی نظر به مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱» در «قانون تجارت و ثبت شرکتها و علائم و اختراعات» اداره کل قوانین و مقررات کشور، تهران، ۱۳۷۴، صفحات ۴۵۴-۴۵۳.

برای مطالعه بیشتر در مورد سازمانهای غیردولتی در ایران رجوع شود به:

Namazi Baquer "Non-governmental organizations in the Islamic Republic of Iran: A situation analysis, UNDP in I.R. of IRAN, Tehran, 2000, 173 pages.

در مرحله بعدی باید به تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی پرداخت و بعد در مقایسه با تعریف این سازمانها در حقوق داخلی وجوه افتراق و اشتراک آنها را نمایان ساخت.

II - تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی

درمورد تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی چندین سند بین‌المللی وجود دارند که به سه مورد از آنها اشاره می‌شود.

الف: تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی در اسناد مؤسسه حقوق

بین‌الملل

مؤسسه حقوق بین‌الملل از اوایل دهه بیست قرن گذشته در این زمینه کار کرده است. حاصل تلاشهای این نهاد ارائه دو پیش‌نویس در سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۵۰ برای انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی بود. طبق این پیش‌نویسها:

«انجمن‌های بین‌المللی شامل گروههای متشکل از افراد یا تجمع‌هایی هستند که آزادانه و به ابتکار خصوصی ایجاد می‌شوند و بدون قصد سودبری یک فعالیت بین‌المللی با منفعت عمومی را خارج از هرگونه تعلقات صرفاً داخلی انجام می‌دهند».^{۱۴}

۱۴. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، منبع قبلی، صفحات ۳۰۱ به بعد.

ب: تعریف سازمانهای غیردولتی در اسناد سازمان ملل متحد
 شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک)^{۱۵} به‌عنوان یکی
 از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که در ارتباط با سازمانهای غیردولتی است،
 تعریف موسمی از این سازمانها ارائه می‌کند.
 طبق قطعنامه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۸ اکوسوک:

«سازمانهای غیردولتی سازمانهایی هستند که به‌وسیله معاهدات
 بین‌الدولی ایجاد نمی‌شوند و شامل سازمانهایی هم می‌شوند که افراد
 منتخب از سوی مقامات دولتی را به‌عضویت می‌پذیرند مشروط بر این‌که
 این افراد مانع آزادی عمل این سازمانها نشوند»؛ در ضمن این سازمانها
 باید «در صورت امکان» در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در
 مناطق مختلف جهان فعالیت داشته باشند»^{۱۶}.

ج: تعریف سازمانهای غیردولتی بین‌المللی در اسناد شورای اروپا
 مهمترین سند الزام‌آوری که در این خصوص وجود دارد کنوانسیون
 است که شورای اروپا در ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ در استراسبورگ منعقد نموده
 است. این کنوانسیون که از اول ژانویه ۱۹۹۱ لازم‌الاجرا شده است تا به حال
 از سوی ۸ کشور به تصویب رسیده است.^{۱۷}

15. Economic and Social council (ECOSOC)

شورای اقتصادی و اجتماعی طبق ماده ۷ منشور ملل متحد یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد.
 ۱۶. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، منبع قبلی،
 صفحات ۳۰۱ به بعد.

۱۷. کنوانسیون ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ استراسبورگ در چارچوب شورای اروپا منعقد شده است و لذا فقط
 برای ۴۰ کشور این شورا، در صورت تصویب کلیه اعضا، لازم‌الاجراست و جنبه جهانی ندارد. کشورهای

این کنوانسیون ۱۱ ماده‌ای در ماده ۱ خود سازمانهای غیردولتی را چنین لحاظ می‌کند «کنوانسیون حاضر بر انجمنها، بنیادها و سایر مؤسسات خصوصی (که من بعد سازمانهای غیردولتی نامیده می‌شوند) که دارای شرایط زیر باشند اعمال می‌شود:

- بدون هدف سودبری بوده و دارای منفعت بین‌المللی باشند.
- بوسیله حقوق داخلی یکی از متعاهدین ایجاد شده باشند.
- حداقل در دو کشور فعالیت مؤثر داشته باشند.
- در سرزمین یکی از متعاهدین ثبت و اقامتگاه آن در همان کشور و یا در سرزمین یک دولت متعاهد دیگر قرار داشته باشد.
- باتوجه به تعاریف فوق و مقایسه آن با تعاریف سازمانهای غیردولتی داخلی باید گفت که در اینجا فقط نقش بین‌المللی مؤثر سازمانهای غیردولتی به‌عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده این سازمانها به تعریف سازمانهای غیردولتی داخلی اضافه شده است.
- بر عناصر تشکیل‌دهنده سازمانهای غیردولتی آثاری مترتب است که به‌شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

که تا به حال این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند اتریش - اسلونی - انگلستان - بلژیک - پرتغال - سوییس - فرانسه و یونان می‌باشند.

باتوجه به ممنوعیت استفاده از حق شرط (ماده ۹) در این کنوانسیون، برخی از کشورها از جمله فرانسه آن را با صدور اعلامیه تفسیری تصویب نموده‌اند. رجوع شود به:

List des déclarations du traité No 124. "Convention européenne sur la reconnaissance de la personnalité Juridique des organisations internationales non-gouvernementales, <http://www>.

Conven.../DECLARE List. asp., 13 Janvier 2001.

– ماهیت خصوصی

ماهیت خصوصی این سازمانها سبب می شود که بتوان علی الاصول سازمانهای غیردولتی را از سازمانهای دولتی و قدرت عمومی تفکیک نمود؛ اما در عمل روابط میان سازمانهای غیردولتی و دولتها، بخصوص در سالهای اخیر، بسیار گسترده شده اند و گاهی سبب خلط فعالیت آنها می شوند. برای مثال اداره کمکهای بشردوستانه وزارت امور خارجه فرانسه نیمی از فعالیتهای خود را از طریق همکاری با سازمانهای غیردولتی بشردوستانه انجام می دهد و سالانه حدود ۵۰ میلیون فرانک به آنها اختصاص می دهد.^{۱۸}

– هدف عام المنفعه و عدم قصد سودبری

این عوامل امکان می دهند که شرکتهای تجاری از قلمرو سازمانهای غیردولتی خارج شوند. البته این بدان معنا نیست که سازمانهای غیردولتی حق ندارند از یک فعالیت مشخص سودی کسب نکنند. برای مثال آنها می توانند از طریق فروش یک آگهی تبلیغاتی در آمدی کسب نمایند.

– ایجاد این سازمانها توسط مقررات داخلی یک کشور

سازمانهای غیردولتی اعم از داخلی و بین المللی به وسیله قانون داخلی یک دولت ایجاد می شوند. بین المللی شدن آنها از باب کسب شخصیت حقوقی در سایر کشورها مدنظر می باشد.

18. Plasait Bernard "Rapport No 380 sur le projet de loi autorisant la ratification de la convention européenne sur la reconnaissance de la personnalité juridique des organisations internationales non-gouvernementales" du 26 Juin 1997, <http://www.senat.fr>.

– فعالیت مؤثر در بیش از یک کشور

طبق قطعنامه‌های اکوسوک برای این که سازمانهای غیردولتی بتوانند بین‌المللی محسوب شوند باید در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جهان فعالیت داشته باشند. اتحادیه انجمنهای بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ این تعداد را سه کشور تعیین نمود.^{۱۹} بالاخره کنوانسیون استراسبورگ در ماده یک بند ۲ خود این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است.

– مقرّ سازمانهای غیردولتی

مقرّ سازمانهای غیردولتی محل ثبت اساسنامه یا دولت محل فعالیت لحاظ شده است. گاهی ممکن است دولت محل ثبت اساسنامه و دولت محل فعالیت یکی باشند و زمانی ممکن است متفاوت باشند. این دوگانگی باتوجه به فعالیتهای سازمانهای غیردولتی لحاظ شده است؛ چون که محل فعالیت سازمانهای غیردولتی اغلب باتوجه به محل اقامت رؤسا یا دبیران کل آنها تعیین می‌شود. ازطرفی پذیرش محل فعالیت به‌عنوان مقرّ سازمانهای غیردولتی این مزیت را نیز دارد که به اشخاص حقیقی و حقوقی دولت محل فعالیت این تضمین را می‌دهد که با آن سازمانها قرارداد منعقد نمایند درحالی که ممکن است اموال آنها در سرزمین دولت ثبت کننده باشند.

۱۹. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، همان منبع، صفحه ۳۰۲.

- منفعت عمومی

معیار منفعت عمومی به نظر مبهم می‌آید. البته در پیشگفتار کنوانسیون استراسبورگ آمده است که این سازمانها باید فعالیتی مفید برای جامعه بین‌المللی، بخصوص در قلمروهای علمی، نوع‌دوستی، بهداشتی، تعلیم و تربیت داشته و در تحقق یافتن اهداف منشور ملل متحد مشارکت نمایند. این عوامل سبب می‌شوند که برخی سازمانهای سیاسی و سندیکایی از این قلمرو خارج شوند؛ اما بهر حال این معیار همچنان مبهم است.

در هر صورت این مقررات داخلی هر کشور است که داشتن منفعت عمومی را برای هر سازمان غیردولتی مشخص می‌کند.^{۲۰} شاید بتوان این منفعت را در دو دسته سازمان غیردولتی محقق دانست:

- سازمانهای غیردولتی که طرف مشورت برخی نهادهای بین‌المللی قرار می‌گیرند.

- سازمانهای غیردولتی که منفعت عمومی آنها طبق مقررات خاص دولت متبوع آنها شناخته شده است.

از مجموعه مطالب فوق می‌توان گفت که سازمان غیردولتی به نهادی اطلاق می‌شود که از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی براساس قانون

^{۲۰} در این خصوص رجوع شود به مصوبات وزارت کشور فرانسه

1- Arrêté du 25 Septembre 1997

2- Arrêté du 29 Septembre 1997

3- Arrêté du 6 Octobre 1997

In Journal officiel de la république française, Octobre 1997, p. 14645.

همچنین رجوع شود به:

Avis du conseil d'Etat sur la requête de la congrégation X ... du 20 Avril 1983, in jurisprudence, Recueil Dalloz, 1984, pp. 71 et ss.

داخلی یک دولت و با هدف غیرتجاری و سودبری ایجاد می‌شود و برای بین‌المللی شدن باید در بیش از یک کشور فعالیت مؤثر داشته باشد.

فصل دوم

شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی

علمای حقوق در مورد شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی اتفاق نظر ندارند. برخی برای این سازمانها قائل به شخصیت حقوقی هستند و عده‌ای دیگر هیچگونه شخصیت حقوقی برای آنها قائل نمی‌باشند و بالاخره برخی دیگر اعطای شخصیت حقوقی به این سازمانها را منوط به عملکرد آنها می‌کنند.^{۲۱}

در اینجا شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی از دو بُعد داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد.

I - شخصیت حقوقی داخلی سازمانهای غیردولتی

باتوجه به این که سازمانهای غیردولتی اعم از داخلی و بین‌المللی براساس قوانین داخلی دولتها بوجود می‌آیند، لذا وضعیت حقوقی آنها نیز از دولتی به دولت دیگر متفاوت است. دولتها اغلب برای اعطای شخصیت حقوقی داخلی به سازمانهای غیردولتی مسأله ثبت آنها یا صدور مجوز از سوی سازمانهای ذیصلاح را مطرح می‌کنند؛ درحالی که برخی صرف

۲۱. رجوع شود به بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، منع قبلی، صفحات ۳۰۵-۳۰۴.

انعقاد قرارداد میان اعضای مؤسس را برای اعطای شخصیت حقوقی داخلی کافی می‌دانند.

– در مورد اول می‌توان از مقررات فرانسه و ایران یاد نمود.

ماده ۵ قانون سال ۱۹۰۱ فرانسه اشعار می‌دارد:

«هر انجمنی که می‌خواهد اهلیت حقوقی کسب نماید باید موجودیتش از سوی مؤسسين آن اظهار و ثبت گردد. برای این کار باید اظهارنامه‌ای که حاوی نام، موضوع، مرکز و شعب انجمن و همچنین دربرگیرنده نام، شغل، آدرس و تابعیت افراد مسؤول اداره یا مدیریت انجمن است را به فرمانداری استان یا به شعبه فرمانداری اقامتگاه انجمن تحویل شود تا مراحل ثبت انجام شود.^{۲۲}»

قانون سال ۱۹۳۹ فرانسه برای ثبت سازمانهای غیردولتی خارجی موافقت قبلی وزیر کشور را نیز درخواست می‌کرد که این آیین با قانون سال ۱۹۸۱ آن کشور ملغی شد.

قانون تجارت ایران نیز دارا شدن شخصیت حقوقی برای مؤسسات غیرتجاری را منوط به ثبت آنها در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد نموده است. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی نیز در ماده ۵ خود پیش‌بینی کرده است که این گونه مؤسسات باید اظهارنامه‌ای حاوی اسم، اقامتگاه، تابعیت، موضوع مؤسسه، مراکز، شعب و همچنین نام و شهرت و اقامتگاه اشخاصی را که برای اداره

22. L'articles de la loi du 1er Juillet 1901 relative au contrat d'association, op. cit. p. 1425.

مؤسسات و تشکیلات تعیین شده‌اند تهیه نموده و پس از کسب اجازه‌نامه از شهربانی به اداره ثبت شرکتها در تهران یا به اداره ثبت مراکز اصلی در شهرستانها تسلیم نماید. در صورتی که مؤسسات خارجی باشند اداره ثبت شرکتها تقاضای ثبت آنها را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد کرد.^{۲۳}

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود در این گونه کشورها ارائه اظهارنامه به مقامات عمومی الزامی است؛ این آیین برای سازمانهای غیردولتی خارجی مشکلی مضاعف ایجاد می‌کند، زیرا آنها معمولاً یکبار روند ثبت را در کشور محل تأسیس خود طی می‌کنند و یکبار دیگر هم آنرا باید در این گونه کشورها انجام دهند.

– در مورد دوم قانون سوییس نمونه بارزی است. طبق ماده ۶۰ قانون مدنی این کشور سازمانهای غیردولتی الزامی به کسب مجوز و نظارت مقامات عمومی ندارند و به محض این که تأسیس شوند (اساسنامه آنها تصویب شد) دارای شخصیت حقوقی شده، می‌توانند از حقوق مدنی برخوردار شوند.^{۲۴}

۲۳. رجوع شود به «آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی»، منبع قبلی، صفحات ۵۴۳-۵۴۴.

24. Code Civil Swiss, edité par la chancellerie fédérale, Berne, 1999, p. 210.

II - شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای غیردولتی

اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی به سازمانهای غیردولتی بسیار مهم است، زیرا چنین ویژگی به آنها امکان می‌دهد که بتوانند: اولاً در جابجایی اقامتگاه خود در کشورهای مختلف همچنان از اهلیت حقوقی برخوردار باشند و بی‌وقفه به فعالیتهای خود ادامه دهند و نیازی به ثبت مجدد و یا طی تشریفات داخلی در هر کشور را نداشته باشند. ثانیاً مشکل ارتباطات، مسائل مالی، جابجایی اموال و منابع مالی، تشریفات گمرکی برای واردات و صادرات و استخدام افراد خارجی را حل نمایند.

در زمینه شناخت شخصیت حقوقی بین‌المللی برای سازمانهای غیردولتی تلاشهای زیادی در سطح جهانی انجام شده‌اند. این تلاشها از اوایل دههٔ دوم قرن بیستم آغاز و تا اوایل دههٔ شصت همان قرن ادامه داشت بدون این که به نتیجه‌ای منجر شود.^{۲۵}

برعکس در سطح منطقه‌ای حاصل تلاش شورای اروپا به ثمر نشست و همانگونه که ذکر شد در ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ معاهده‌ای توسط این نهاد در استراسبورگ تحت عنوان «کنوانسیون اروپایی در مورد شناخت شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی غیردولتی» منعقد گردید.

این کنوانسیون که پس از تودیع سومین سند تصویب خود از اول ژانویه ۱۹۹۱ لازم‌الاجرا شده است^{۲۶} در مادهٔ ۲ بند ۱ خود اشعار می‌دارد:

۲۵. رجوع شود به بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی» منبع قبل، صفحه ۳۰۵.

۲۶. ماده ۶ معاهده استراسبورگ اشعار می‌دارد که «این کنوانسیون در اولین روز ماهی که سه ماه پس از تودیع سومین سند تصویب فرا می‌رسد لازم‌الاجرا می‌گردد».

«شخصیت و اهلیت حقوقی یک سازمان غیردولتی به شکلی که در دولت ثبت کننده متعاهد به این کنوانسیون شناخته شده است بطور کامل از سوی سایر متعاهدین پذیرفته می‌شود».

بنابراین سازمانهای غیردولتی برای برخوردار شدن از حقوق کامل ناشی از شخصیت و اهلیت حقوقی در دیگر کشورهای متعاهد نیاز به رعایت هیچگونه آیین خاصی ندارند. اصل این است که قانون حاکم بر شخصیت و اهلیت حقوقی سازمانهای غیردولتی در ماهیت همان قانون مقرر سازمان به شکل مندرج در سند مؤسس آن (اساسنامه) می‌باشد. واضح است که مقررات این کنوانسیون فقط در مورد دولتهای عضو شورای اروپا که آنرا تصویب کرده یا خواهند کرد لازم‌الاجرا می‌باشد. لذا همه کشورهای جهان از این کنوانسیون بهره‌مند نمی‌شوند.

اگرچه در برخی از اسناد الزام آور اخیر بین‌المللی از جمله برخی قطعنامه‌های شورای امنیت، که براساس فصل هفتم منشور صادر شده‌اند، به سازمانهای غیردولتی اشاره شده است و آنها را طرف حق و تکلیف قرار داده‌اند و برخی به استناد همین اسناد برای این سازمانها قائل به نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی شده و آنها را در زمره تابعان عملی حقوق بین‌الملل قرار می‌دهند،^{۲۷} اما برای رفع هرگونه شبهه، به نظر می‌رسد که بهترین راه برای حل معضل شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی در سطح

27. Carrilli-Salcedo Juan-Antonio "Droit international et souveraineté des Etats", Recueil des cours, Académie de droit international, Martinus Nijhoff publishers, Dordrecht, 1996.

بین‌المللی انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی و فراگیر باشد. معذک در این راه باید چندین نکته مورد توجه قرار گیرند:

- اولاً باید در روند انعقاد چنین کنوانسیون سازمانهای غیردولتی نیز خود بطور مستقیم مشارکت داشته باشند. در غیر این صورت مذاکرات دولتها در این خصوص به احتمال قریب به یقین از حد یک سری اصول و قواعد راهبردی فاقد هرگونه قدرت الزامی تجاوز نخواهد کرد، نمونه بارز آن مذاکرات دولتها در سازمان ملل در مورد تهیه مقرراتی در خصوص شرکتهای فراملی بود که سرانجام در سال ۱۹۷۶ منجر به تصویب یک سری قواعد راهبردی در مورد آن شرکتها گردید بدون آن که هیچگونه الزامی در آن وجود داشته باشد؛ و اگر هم مذاکرات دولتها احتمالاً منجر به انعقاد کنوانسیونی شود، کنوانسیون مزبور قطعاً فراگیر نخواهد شد.

- ثانیاً در انعقاد این کنوانسیون باید تدابیری نیز اندیشیده شوند که به برخی نگرانی‌های دولتها پاسخی شایسته داده شود. مهمترین نگرانی‌های دولتها را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

* عدم امکان بهره‌مند شدن سازمانهای غیرقانونی از جمله سازمانهای مافیایی، سازمانهای سیاسی فاشیستی و تروریستی از مقررات این کنوانسیون می‌باشد. متأسفانه باید اذعان داشت که برخی از این سازمانها امکان استفاده از وجود چنین کنوانسیونی را دارند. برای مثال چنین امکانی به خصوص در قلمروهای مالی ملاحظه شده است بدین معنا که سازمانهای غیرقانونی توانسته و باز می‌توانند در کشورهای عضو به راحتی عمل کنند.

* مسأله دیگر این که فعالیت این گونه سازمانها نباید محل نظم و امنیت داخلی و خارجی کشورها شود. به همین دلیل و تحت فشار دولتها،

کنوانسیون استراسبورگ در ماده ۴ خود اعلام می‌دارد که این کنوانسیون در مواردی که فعالیت سازمان غیردولتی مغایر امنیت ملی، امنیت عمومی، نظم عمومی، جلوگیری از جنایات، حفظ و حمایت از سلامت همگانی، اخلاق حسنه، حقوق و آزادیهای افراد باشد و یا به روابط دولتها و صلح و امنیت بین‌المللی لطمه‌ای وارد کند اجرا نمی‌شود.

* مسأله بعدی این است که کنوانسیون بین‌المللی نباید به برخی مقررات داخلی دولتهای محل فعالیت سازمانهای غیردولتی از جمله به مقررات مالی لطمه‌ای وارد کند، و دولتها بتوانند براساس صلاحیت سرزمینی مقررات داخلی خود را اعمال نمایند.

البته توجه به چنین مسأله‌ای با پیش‌بینی مقررات مالی به نفع سازمانهای غیردولتی مغایرتی ندارند.

فصل سوم

وضعیت مالی سازمانهای غیر دولتی

در این فصل ابتدا منابع و سپس مشکلات مالی سازمانهای غیردولتی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

I - منابع مالی سازمانهای غیردولتی

بودجه سازمانهای غیردولتی بطور عمده از سه طریق تأمین می‌شود:

الف: کمک بخش خصوصی

قسمت اعظم بودجه سازمانهای غیردولتی از طریق کمک اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی مانند شرکتهای تجاری ... تأمین می‌شود. سازمانهای غیردولتی سالانه بین ۴ تا ۵ میلیارد دلار از منابع خصوصی جذب می‌کنند. برای مثال ۵۶٪ درآمد سازمان غیردولتی از بخش خصوصی تأمین می‌شود.^{۲۸}

ب: کمک بخش عمومی

بخش دیگری از بودجه سازمانهای غیردولتی از سوی دولتها یا سازمانهای بین‌الدولی تأمین می‌شود. برای مثال در اواخر دهه هشتاد حدود ۲/۳ میلیارد دلار از سوی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OCDE) به سازمانهای غیردولتی کمک شده است که این رقم حدود ۵٪ کمک عمومی این کشورها را تشکیل می‌دهد.^{۲۹} کمک دولتها و سازمانهای بین‌الدولی به سازمانهای غیردولتی به اشکال مختلفی انجام می‌پذیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

28. "Ressources publiques et privées en France", Le Monde, 3 Février 2001.

29. Beigbeder Yves, op. cit., pp. 51-52.

البته این میزان از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. برای مثال در فرانسه ۴۴٪ منابع مالی سازمانهای غیردولتی، که رقمی برابر ۱/۴ میلیارد فرانک را تشکیل می‌دهد، از سوی بخش عمومی تأمین می‌شود. قسمت اعظم این کمک‌ها (نصیب سازمانهای غیردولتی بشردوستانه و حقوق بشری می‌شود و سهم سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه ناچیز است که حدود ۶۵٪ می‌باشد. رجوع شود به:

"Ressources Publiques et Privées en France", Le monde, 3 Février 2001.

۱- مشارکت مستقیم دولتها و سازمانهای بین‌الدولی در اجرای طرحهای

سازمانهای غیردولتی

دولتها و سازمانهای بین‌الدولی بخشی از کمک خود به سازمانهای غیردولتی را در قالب مشارکت مالی در اجرای طرحهایی می‌کنند که ازسوی سازمانهای غیردولتی پذیرفته شده‌اند. میزان این مشارکت بین ۵۰ حتی تا ۱۰۰ درصد هزینه طرحها نوسان دارد.

۲- کمک مستقیم

شکل دیگری از کمک به سازمانهای غیردولتی ازطرف بخش عمومی بخصوص دولتها، اعطای کمکهای سالیانه می‌باشد؛ این امر بدین‌شکل تحقق می‌یابد که دولتها در بودجه سالانه خود ردیفی برای کمک به سازمانهای غیردولتی در نظر می‌گیرند. برای مثال ایران در بودجه سال ۱۳۸۰ خود رقمی برابر ۵۰ میلیارد ریال برای کمک به احزاب و نهادهای آنها لحاظ نموده است؛^{۳۰} که امید است این کمکها در سالهای آینده تداوم و افزایش یافته و فقط هم به احزاب تخصیص داده نشود بلکه کل سازمانهای غیردولتی قانونی را شامل گردد.

۳- واگذاری اجرای طرحها به سازمانهای غیردولتی

نوع دیگر کمک دولتها و سازمانهای بین‌الدولی به سازمانهای غیردولتی واگذاری اجرای برخی از طرحها به آنهاست. مهمترین معیار

^{۳۰} حق‌شناس، محمدجواد، «کمک دولت به احزاب مشروط نیست» روزنامه همبستگی، پنجشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۷۹، ص ۱.

برای انتخاب یک سازمان غیردولتی برای اجرای طرحی صلاحیت آن سازمان در قلمرو موردنظر می باشد.

۴- اتخاذ تدابیر مالی به نفع سازمانهای غیردولتی

دولتها بخصوص در کشورهای توسعه یافته شکل دیگری از کمک به سازمانهای غیردولتی را ایجاد نموده اند که همانا اعطای تسهیلاتی به سازمانهای غیردولتی برای جمع آوری اعانه و کمک از بخش های مختلف جامعه می باشد. این کمک در قالب اعطای امتیازات مالی به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی است که به سازمانهای غیردولتی کمک می کنند.

برای مثال در فرانسه اشخاصی حقیقی که به سازمانهای غیردولتی دارای منفعت عمومی کمک می کنند پنج درصد از درآمد مشمول مالیات آنها از پرداخت مالیات معاف می شود.^{۳۱} نوع دیگر از این تدابیر اعطای معافیت های مالیاتی به خود سازمانهای غیردولتی است. برای مثال در سوییس طبق مقررات حاکم در کانتون ژنو بخشی از اموال اشخاص حقوقی (که در واقع بطور عمده سازمانهای غیردولتی را شامل می گردد) که بطور مستقیم صرف کمک یا نوع دوستی یا دستگیری از نیازمندان می شود از مالیات حاکم بر اموال اشخاص حقوقی معاف می باشد.^{۳۲}

کمکهای بخش عمومی اعم از دولتها و سازمانهای بین الدولی دارای محاسن و معایبی است. اولین حسن این کمکها برای خود دولتها و سازمانهای بین الدولی است؛ زیرا در زمانی که آنها بخشی از وظایف خود را

31. Beigbeder Yves, op. cit., p. 53.

32. Ibid.

برای مثال اجرای طرحهای ملی) توسط سازمانهای غیردولتی انجام می‌دهند صرفه‌جویی قابل توجهی در هزینه‌های خود می‌کنند؛ دلیل این امر آن است که مبالغی که آنها برای اجرای طرحها به سازمانهای غیردولتی می‌دهند به مراتب کمتر از هزینه‌هایی است که اگر خود مستقیماً مجری طرحها بودند می‌بایست پرداخت می‌کردند.

در عین حال این کمکها این حسن را هم برای سازمانهای غیردولتی دارد که بخشی از هزینه‌های خود را از این محل تأمین می‌کنند.

معهداً در مقابل این محاسن مهمترین عیبی که می‌توان در قالب این کمکها مشاهده نمود ایجاد وابستگی سازمانهای غیردولتی به دولتها و سازمانهای بین‌الدولی کمک کننده است؛ و این مشکلی است که سازمانهای غیردولتی باید بطور دائمی در تقابل با آن باشند.

ج: درآمد سازمانهای غیردولتی

منبع دیگر تأمین هزینه‌های سازمانهای غیردولتی فعالیت خود این سازمانهاست. این منبع معمولاً اختصاص به جمع‌آوری اعانه‌ها و کمکها بطور مستقیم دارد. سازمانهای غیردولتی برای این مورد معمولاً از تحریک افکار و احساسات عمومی با نمایش فیلم و یا ایراد سخنرانی استفاده می‌کنند. این گونه جمع‌آوری اعانه و کمک اگرچه برای سازمانهای غیردولتی مفید به نظر می‌رسد اما دو ضرر عمده دارد که باید به آن توجه خاص داشت:

- ضرر اول آن است که در این مورد سازمانهای غیردولتی که دارای امکانات تبلیغاتی بیشتری بوده و معمولاً فعالیتشان نیز محدود به رساندن

کمکهای فوری و کوتاه‌مدت است بیشتر از سازمانهای غیردولتی که فعالیتهای درازمدت و بنیادین از جمله کارهای آموزشی دارند از کمکها بهره‌مند می‌شوند. این سازمانها در اغلب موارد هم با ارائه تصاویر و فیلم‌های تحقیرکننده به درخواست کمک برای کشورهای جهان سوم و یا چهارم می‌پردازند.

البته در اینجا تضاد بنیادینی هم وجود دارد زیرا از یک سو باید افکار عمومی در کشورهای توسعه‌یافته را برانگیخت تا به نیازمندان کشورهای درحال توسعه کمک کنند و از سوی دیگر نباید به احساس وابستگی و کمک‌خواهی کشورهای جهان سوم در نزد افکار عمومی کشورهای توسعه‌یافته دامن زد. در چنین وضعیتی چه راه‌حلی وجود دارد تا ضمن دریافت کمک برای کشورهای جهان سوم، افکار عمومی کشورهای صنعتی وابسته بودن آنها به خود را نیز حس نکنند؟ چون که این سؤال همیشه در افکار عمومی کشورهای صنعتی مطرح است که اگر مردم جهان سوم به کمک آنها وابسته نیستند پس چرا آنان باید کمک کنند؟

- ضرر دوم این است که گاهی سازمانهای غیردولتی در تحریک احساسات عمومی برای دریافت کمک برای کشورهای جهان سوم مقاصد سیاسی را هم دنبال می‌کنند که علی‌الاصول با اهداف آنها مغایرت دارد. برای مثال اوکسفام (oxfam) که یک سازمان غیردولتی است که در قلمرو توسعه و مبارزه با گرسنگی فعالیت می‌کند در سال ۱۹۸۶ با ارائه یک وضعیت اسفبار ساختگی از گرسنگی در کامبوج این هدف را دنبال می‌کرد که کمک‌نهادهای کمک‌کننده را به سوی رژیم حاکم در کامبوج

که مورد حمایت ویتنام بود جلب کند؛ و این درحالی بود که آمریکا به شدت با این کار مخالف بود.

مسأله دیگری که باید در این قسمت به آن اشاره نمود، که خوشبختانه چندان متداول نیست، حیف و میل کردن منابع مالی ازسوی سازمانهای غیردولتی است. برای مثال می توان از تحقیقی که در مورد صلیب سرخ فرانسه انجام شده است نام برد. براساس این تحقیق از هر ۱۰۰ فرانکی که به این سازمان کمک می شود ۳۰ فرانک آن حیف و میل می شود. همین سازمان برای کمک به فاجعه آرمرو (Armero) در کلمبیا ۱۲ میلیون فرانک اعانه جمع آوری نمود و چهار سال بعد معلوم شد که فقط ۴/۵ میلیون فرانک آن درمورد آن فاجعه هزینه شده است.

II - مشکلات مالی سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی در تدوین برنامه های مالی خود با مشکلات زیادی مواجه هستند که بطور عمده می توان آنها را در سه محور خلاصه نمود:^{۳۳}

الف: عدم امکان پیش بینی و برنامه ریزی دقیق مالی در میان و بلندمدت یکی از مشکلات اساسی که منجر به عدم پیش بینی و برنامه ریزی دقیق مالی می شود عدم وجود تضمین ازسوی بخش خصوصی و حتی بخش عمومی به استمرار کمک های خود به سازمانهای غیردولتی است، و اگر هم

33. Beigbeder Yves, op. cit., p. 55.

این کمک استمرار داشته باشد باز ابهام در میزان آنها مانع از یک برنامه‌ریزی دقیق می‌شود.

ب: ایجاد وابستگی برای سازمانهای غیردولتی

همانگونه که گفته شد یکی از مهمترین معایب کمک بخش عمومی (دولتها و سازمانهای بین‌الدولی) ایجاد وابستگی برای سازمانهای غیردولتی است. اگرچه کمک این بخش سبب رفع پاره‌ای از مشکلات سازمانهای غیردولتی می‌شود، اما در عین حال باعث محدود شدن استقلال و آزادی عمل این سازمانها نیز می‌شود. سازمانهای غیردولتی، برای حل این معضل، چاره‌ای جز محدود کردن استفاده از کمکهای بخش عمومی را ندارند. براساس برآورد انجام شده، سازمانهای غیردولتی برای رفع چنین خطری (خطر وابستگی به دولتها و سازمانهای بین‌الدولی کمک کننده) حدود بیست درصد از کل درآمد خود را از دست می‌دهند.^{۳۴}

ج: ارائه بیلان مالی

از آنجا که سازمانهای غیردولتی باید در مسائل مالی هم درمقابل کمک کنندگان و هم درمقابل کمک شوندگان شفاف عمل کند، لذا مجبورند نظارت داخلی و خارجی را بر مدیریت و برنامه‌ریزی مالی و حسابرسی خود بپذیرند.

34. Beigbeder Yves, op. cit., p. 54.

برای مثال در فرانسه براساس قانون سال ۱۹۹۱، دیوان محاسبات حق حسابرسی در سازمانهای غیردولتی متقاضی دریافت کمکهای عمومی را دارد.

به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از مشکلات و رفع ابهامات و شبهات بهتر باشد که در یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد سازمانهای غیردولتی مقرراتی هم در مورد مسائل مالی این سازمانها پیش‌بینی شوند، تا ضمن حفظ کرامت اشخاص کمک‌شونده از سوی این سازمانها و جلوگیری از افراط در تبلیغات رسانه‌ای، شفافیت کامل در دخل و خرج آنها نیز تضمین گردد. شاید در این خصوص اصول راهبردی ۱۹۸۹ اتحادیه اروپا بتواند به‌عنوان الگوی نسبتاً مناسبی مورد استفاده قرار گیرد.^{۳۵}

۳۵. اصول راهبردی اتحادیه اروپا عبارتند از:

- اجتناب از ارائه تصاویر اسفبار که بیشتر جلب ترحم می‌کند تا وجدان بشری را بیدار کند. ضمناً سازمانهای غیردولتی حق نمایش تصاویری مبنی بر برتری کشورهای توسعه‌یافته و تحقیر کشورهای درحال توسعه را ندارند.
- باید به فرهنگ جهان سوم به‌عنوان یک اهرم توسعه توجه داشت و لطمه‌ای به هویت فرهنگی آنها وارد نکرد.
- باید از شهادت و گفته‌های خود اشخاص ذینفع استفاده نمود و حتی‌المقدور از تفسیر افراد ثالث بهره نداشت.
- از استعداد و توانایی افراد کمک‌شونده نیز استفاده شود.
- پیام باید طوری ارائه گردد که از هرگونه عمومی کردن مسأله در افکار عمومی اجتناب شود.
- موانع داخلی و خارجی توسعه باید به‌روشنی نمایان و آشکار شوند.
- وابستگی متقابل و مسأله مسؤولیت مشترک در توسعه نیافتگی باید مطرح شود.
- علل فقر (سیاسی، ساختاری، طبیعی) باید در پیام تشریح شود تا افکار عمومی را وادارد که پی به تاریخ و وضعیت واقعی جهان سوم ببرند و همچنین واقعیت‌های این کشورها را قبل از استعمارگرایی بشناسند. و از این طریق و با توجه به واقعیات امروز طرق امحاء فقر و عقب‌ماندگی را بیابند.
- پیام باید عاری از هرگونه تبعیض اعم از نژادی - جنسی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی - اقتصادی و غیره باشد.

فصل چهارم

رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌المللی

مراد از سازمانهای بین‌المللی در این فصل هم سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی و هم سازمانهای بین‌المللی غیردولتی است. لذا در اینجا ابتدا رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی و سپس رابطه آنها با یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

I - رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی

سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی بیشتر از دولتها نیاز به همکاری با سازمانهای غیردولتی دارند. سازمانهای غیردولتی اغلب در نزد سازمانهای بین‌الدولی نقش مشورتی دارند، اما در مواقعی هم می‌توانند، با اجازه سازمانهای بین‌الدولی، در بحثهای آن سازمانها شرکت و نظر خود را بصورت شفاهی یا کتبی ارائه نمایند.

داشتن مقام مشورتی برای یک سازمان غیردولتی در سازمان بین‌الدولی به منزله شناخت بین‌المللی آن محسوب شده و برای آن سازمان

- توجه خاص به زنان در کشورهای جهان سوم و تلاش برای تغییر تصاویر ارائه شده از زنان در این کشورها شود.

- با جهان سومی‌ها برای تهیه هرگونه پیام مشورت شود.

- سازمانهای غیردولتی در صورت کمک گرفتن از سایر سازمانها باید مراقب باشند که آن سازمانها هم این اصول را رعایت کنند.

ایجاد «اعتبار بین‌المللی» می‌کند.^{۳۶} این اعتبار سبب افزایش مشروعیت و مقام آن سازمان غیردولتی در مقابل اشخاص کمک‌کننده و سایر سازمانهای غیردولتی و سازمانهای بین‌الدولی می‌شود. این اعتبار سبب گسترش قلمرو فعالیت آن سازمان غیردولتی نیز می‌شود.

البته لازم به تذکر است که اولاً کسب مقام یا وضعیت مشورتی هیچ حقی برای سازمانهای غیردولتی در مقابل نهادهای داخلی و بین‌المللی دولتی ایجاد نمی‌کند و در ضمن هیچگونه حمایت خاصی هم برای آنها به وجود نمی‌آورد. بالاخره باید گفت که مقام مشورتی می‌تواند به سازمانهای غیردولتی اعطا یا از آنها سلب شود.

در این قسمت ابتدا به بررسی رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌الدولی بین‌المللی پرداخته و سپس به رابطه آنها با سازمانهای بین‌الدولی منطقه‌ای اشاره می‌شود.

الف: رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌الدولی بین‌المللی
در بررسی رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی ابتدا رابطه این سازمانها با جامعه ملل مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس رابطه آنها با سیستم ملل متحد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

36. Betati Mario "La contribution des organisations non-gouvernementales à la formation et à l'application des normes internationales" in "Les O.N.G et le droit international", éd Economica, Paris, 1986, pp. 12-14.

۱- رابطه سازمانهای غیردولتی با جامعه ملل

در ابتدا به نظر می‌رسید که ماده ۲۴ میثاق جامعه ملل یک همکاری نزدیکی را میان جامعه و سازمانهای غیردولتی در قالب پیش‌بینی دفاتر تحت نظارت جامعه در نظر داشت.^{۳۷} این دیدگاه تا سال ۱۹۲۳ نیز کم و بیش حاکم بود، اما از ۱۹۲۳ شورای جامعه تصمیم گرفت که سازمانهای غیردولتی را از شمول این ماده خارج کند. از این به بعد دیگر سازمانهای غیردولتی مبنای تئوریکی برای همکاری با جامعه را نداشتند. معیضاً این امر سبب نشد که ارتباط این سازمانها با جامعه قطع شود، بلکه این ارتباط عملاً و بطور غیررسمی و براساس سیاستهای دبیرخانه جامعه یا سیاست رؤسای کمیسیونهای مختلف جامعه ملل وجود داشت.

در این دوران می‌توان شاهد رابطه سازمانهای غیردولتی با انواع کمیسیونهای جامعه ملل بود. در این مورد می‌توان از همکاری سازمانهای غیردولتی با کمیسیون ارتباطات و کار، کمیسیون مشورتی مربوط به مسائل اجتماعی، کمیسیون مشورتی حمایت از کودکان و جوانان، دفتر بین‌المللی

۳۷. ماده ۲۴ میثاق جامعه ملل اشعار می‌دارد:

۱- هر دفتر بین‌المللی که پیش از این با استناد به معاهدات جمعی تأسیس گردیده است در صورت موافقت طرفین آن، از این پس زیر نظر جامعه اداره خواهد شد. به همین ترتیب، دفاتر بین‌المللی و هر کمیسیون بین‌المللی حل اختلاف که بعداً بوجود می‌آید زیر نظر جامعه به کار مشغول خواهد شد.

۲- در مورد تمام قضایای بین‌المللی که با معاهدات عام فیصله یافته، اما در نظارت کمیسیون یا دفتری بین‌المللی در نیامده است، دبیر کل می‌تواند، در صورتی که طرفین درخواست نمایند و شورا نیز موافقت کند، تمام اطلاعات مفید را جمع‌آوری و منتشر سازد و در این راه از دادن هر کمک لازم و خواسته شده دریغ نوزد.

۳- شورای اجرایی می‌تواند هزینه‌های مربوط به تمام دفاتر و کمیسیونهایی را که زیر نظر جامعه به کار اشتغال دارند، به هزینه‌های دبیرخانه اضافه نماید.

ترجمه این ماده متعلق به آقای دکتر فلسفی است که در ضمیمه ترجمه کتاب «سازمانهای بین‌المللی» تألیف کلود آلبر کلیار در صفحه ۷۲۰ یافت می‌شود.

نانسن (Nansen) برای کمک به پناهندگان، مؤسسه بین‌المللی همکاری فکری و معنوی، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و سازمان بین‌المللی کار نام برد.

پس از تصمیم بر انحلال جامعه ملل و جایگزین ساختن آن با سازمان ملل متحد، واضعان سند مؤسس سازمان ملل به این نتیجه رسیدند که یک مبنای تئوریکی برای همکاری فی‌مابین سازمان ملل و سازمانهای غیردولتی لازم است.^{۳۸} همین امر سبب شد که مشارکت سازمانهای غیردولتی در فعالیتهای سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس آغاز و بطور چشم‌گیری افزایش یابد.

۲- رابطه سازمانهای غیر دولتی با سیستم ملل متحد

می‌دانیم که سیستم ملل متحد شامل سازمان ملل متحد، مؤسسات تخصصی ملل متحد و ارکان فرعی ملل متحد می‌شود. در اینجا ابتدا رابطه سازمانهای غیردولتی با خود سازمان ملل متحد مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس به رابطه آنها با مؤسسات تخصصی ملل متحد اشاره می‌شود.^{۳۹}

۳۸. لازم به تذکر است پیش‌بینی قاعده‌ای برای همکاری فی‌مابین سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی در منشور خود حاصل تلاش تعدادی سازمان غیردولتی بود که در کنفرانس ۱۹۴۵ سان‌فرانسیسکو حضور داشتند.

۳۹. به دلیل گستردگی مطلب، رابطه سازمانهای غیردولتی با ارکان فرعی ملل متحد مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند.

۲-۱- رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمان ملل متحد

مبنای تئوریک رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمان ملل متحد ماده ۷۱ منشور ملل متحد است که صراحتاً پیش‌بینی می‌کند «شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد می‌تواند برای مشاوره با سازمانهای غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این تدابیر ممکن است به سازمانهای بین‌المللی و در صورت لزوم به سازمانهای داخلی پس از مشورت با عضو ذینفع ملل متحد تعمیم یابد».

اگرچه ماده ۷۱ این وضعیت را برای سازمانهایی در نظر گرفته است که در قلمرو صلاحیت اکوسوک فعالیت می‌کنند، اما در حال حاضر و بخصوص پس از اجلاس چهل و یکم مجمع عمومی سازمان ملل، سازمانهای غیردولتی در بسیاری از ارکان ملل متحد از جمله در کارهای کمیسیونهای اصلی مجمع عمومی، در صورت پذیرش از سوی هیأت رئیسه کمیسیون، حق شرکت دارند.

اما با توجه به این که رابطه سازمانهای غیردولتی با ارکان اصلی سازمان ملل متحد بطور عمده با اکوسوک می‌باشد بنابراین در اینجا هم رابطه آنها با این رکن بطور عمده مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که ابتدا نحوه اعطای مقام مشورتی از سوی اکوسوک به سازمانهای غیردولتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، و سپس تعلیق و بازستاندن این مقام از این سازمانها مورد توجه واقع خواهد شد. در پایان نیز اشاره‌ای به روابط سازمانهای غیردولتی با دبیرخانه و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد خواهد شد.

۱-۱-۲- شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و سازمانهای

غیردولتی

مهمترین رابطه اکوسوک با سازمانهای غیردولتی پذیرش آنها برای مشورت با خود می‌باشد، به همین جهت با تصویب قطعنامه ۱۲۹۶ در ۲۳ می ۱۹۶۸ شرایط سازمانهای غیردولتی برای برخورداری از مقام مشورتی نزد خود را تعیین نمود.^{۴۰} اما اکوسوک به دلیل نیاز به روزآمد کردن این مصوبه، قطعنامه شماره ۱۹۹۳/۸۰ را در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۳ تصویب و درخواست نمود که یک بررسی کلی در مورد قواعد حاکم بر نظام مشورتی سازمانهای غیردولتی با هدف روزآمد کردن قطعنامه ۱۲۹۶ و هماهنگ نمودن قواعد حاکم بر مشارکت سازمانهای غیردولتی در کنفرانسهای بین‌المللی زیر نظر سازمان ملل متحد انجام شود؛ در ضمن طرق بهبود قواعد عملی حاکم بر کارهای کمیته مسؤل سازمانهای غیردولتی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. حاصل این مطالعات قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ بود که در ۲۵ ژوئیه

۴۰. قطعنامه ۱۲۹۶ اکوسوک وجود شرایط زیر را برای سازمانهای غیردولتی جهت برخورداری شدن از مقام مشورتی نزد خود را ضروری می‌داند.
- سازمان غیردولتی در قلمروهایی فعالیت کند که در صلاحیت اکوسوک قرار دارند.
 - اهداف سازمان غیردولتی منطبق با روح، اهداف و اصول منشور ملل متحد باشد.
 - سازمان دولتی باید متعهد گردد در اجرا و شناساندن اصول و فعالیت‌های سازمان ملل متحد به این سازمان کمک کند.
 - سازمان غیردولتی باید از یک بازنمایی و یک شهرت بین‌المللی برخوردار باشد. سازمان باید، در صورت امکان، در تعداد زیادی از کشورها در مناطق مختلف جهان حضور داشته باشد.
 - سازمان غیردولتی باید دارای یک مقر شناخته شده و یک رئیس اداری باشد. این سازمان همچنین نباید از یک سند مؤسس که بر اساس اصول دموکراتیک تصویب شده باشد برخوردار باشد.
 - سازمان غیردولتی باید یک ساختار بین‌المللی داشته باشد.
- طبق این قطعنامه سازمانهای غیردولتی برخوردار از مقام مشورتی به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند، دسته دیگری هم وجود داشت که در لیست وجود داشتند اما از مقام مشورتی برخوردار نبودند.

۱۹۹۶ تحت عنوان «روابط مشورتی فی‌مابین سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی» به تصویب اکوسوک رسید. این قطعنامه حاوی یازده بخش می‌باشد.^{۴۱}

اولاً طبق این قطعنامه عنوان «سازمان» شامل کلیه سازمانهای غیردولتی اعم از داخلی، زیر منطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود مگر خلاف آن پیش‌بینی شده باشد.^{۴۲}

ثانیاً مطابق همین قطعنامه سازمان غیردولتی به سازمانی اطلاق می‌شود که توسط یک نهاد عمومی یا یک موافقتنامه بین‌الدولی ایجاد نشده باشد حتی اگر افراد منتخب از سوی مقامات عمومی را بپذیرد به شرط آن که

۴۱. یازده بخش قطعنامه عبارتند از:

- اصول حاکم بر برقراری روابط مشورتی
- اصول حاکم بر ماهیت روابط مشورتی
- برقراری روابط مشورتی
- مشورت یا شورای اقتصادی و اجتماعی
- مشورت یا کمیسیونها و سایر ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی
- مشورت با کمیته‌های خاص شورای اقتصادی و اجتماعی
- مشارکت سازمانهای غیردولتی در آماده‌سازی کارهای کنفرانسهای بین‌المللی تحت‌نظر سازمان ملل متحد

- تعلیق و یا سلب مقام مشورتی

- کمیته مسؤل سازمانهای غیردولتی

- مشورت با دبیرخانه

- کمک دبیرخانه

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Résolution 1996/31. "Relations aux fins de consultations entre l'organisation des Nations Unies et les organisations non-gouvernementales" in "Conseil Economique et Social", 25 Juillet 1996, <http://www.un.org>.

42. Voir la première partie, alinéa 4, de la Résolution 1996/31.

حضور چنین افرادی لطمه‌ای به آزادی عمل و فعالیت سازمان وارد نکند.^{۴۳} در ضمن در پذیرش سازمانهای غیردولتی برای برخورداری از مقام مشورتی باید توزیع منصفانه جغرافیایی نیز رعایت شود تا سازمانهای غیردولتی از اقصاء نقاط جهان امکان برخورداری از این مقام را داشته باشند. ثالثاً طبق این قطعنامه سازمانهای غیردولتی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

– سازمانهای غیردولتی مشورتی عام

این گروه شامل سازمانهایی می‌شود که به اکثر فعالیتهای اکوسوک و ارکان فرعی آن علاقه‌مند و اشتغال داشته و بتوانند ثابت کنند که قادر به مشارکت دائم در تحقق بخشیدن به اهداف ملل متحد مندرج در فصول نهم و دهم منشور می‌باشند.^{۴۴}

– سازمانهای غیردولتی مشورتی خاص

این گروه شامل سازمانهایی می‌شود که دارای صلاحیت ویژه و مشهوری در یکی از قلمروهای مورد نیاز اکوسوک می‌باشند.^{۴۵}

43. Voir la première partie, alinéa 12, de la Résolution 1996/31.

44. Voir la première partie, alinéa 12, de la Résolution 1996/31

که به آنها "Organizations in general consultative status" می‌گویند. باید متذکر شد که فصول نهم و دهم منشور ملل متحد به ترتیب در مورد «همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی» و «شورای اقتصادی و اجتماعی» می‌باشند.

45. Voir la troisième partie, alinéa 23, de la Résolution 1996/31

که به آنها "Organizations in special consultative status" می‌گویند.

– سازمانهای غیردولتی مندرج در لیست

این گروه شامل سازمانهایی می‌شود که از مقام مشورتی در اکوسوک برخوردار نمی‌باشند اما اکوسوک یا دبیرکل سازمان ملل متحد تشخیص می‌دهند که مشارکت آنها در مواقعی می‌تواند در کارهای اکوسوک مفید باشد. سازمانهای غیردولتی مندرج در لیست یا فهرست باید حاضر به ایفای نقش مشورتی خود در صورت درخواست اکوسوک یا ارکان فرعی آن باشند.^{۴۶}

باتوجه به این مطالب، قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ شروطی را هم پیش‌بینی نموده است که سازمانهای غیردولتی در صورت رعایت یا دارا بودن آنها می‌توانند تقاضای برخورداری از مقام مشورتی در نزد اکوسوک را بنمایند. این شروط عبارتند از:

– سازمان باید در قلمروهای واقع در صلاحیت اکوسوک فعالیت نماید.

– اهداف سازمان باید منطبق با روح، اهداف و اصول منشور ملل متحد باشد.

– سازمان ضمن پی‌گیری اهداف و انجام فعالیتهای خود باید متعهد شود که سازمان ملل متحد را در راه تحقق بخشیدن به آرمانش یاری رسانده و اصول و فعالیتهای ملل متحد را بشناساند.

– سازمان باید از اشتهار و بازنمایی در قلمرو فعالیت خود برخوردار باشد.

46. Voir la troisième partie, alinéa 24, de la Résolution 1996/31

که به آنها "Organizations on the Roster" می‌گویند.

- سازمان باید دارای یک مقرّ شناخته شده و یک رئیس اداری باشد. سازمان همچنین باید از یک سند مؤسس که براساس اصول دموکراتیک تصویب شده است، برخوردار باشد؛ و اعلام شود که سیاست سازمان بوسیله یک کنفرانس یا یک مجمع یا هر رکن معرف و بازنماکننده سازمان تصویب می‌شود و یک رکن اجرایی درمقابل آن مسؤول است.

- سازمان باید کیفیت و اجازه سخن گفتن بنام اعضای خود از طریق نمایندگانش را داشته باشد.

- سازمان باید دارای ارکان معرف یا بازنماکننده بوده و مکانیسم‌های مناسبی برای پاسخ‌گویی به اعضای خود ایجاد نماید. اعضای که باید از اقتدار مؤثر در جهت دادن به فعالیتهای سازمان از طریق اعمال حق رأی خود یا روش دیگر تصمیم‌گیری دموکراتیک و شفاف برخوردار باشند.

- مهمترین منابع مالی سازمان باید از حق عضویت اعضا، شعب، عناصر تشکیل‌دهنده داخلی خود تأمین شوند. سازمان باید میزان و منشأ دقیق منابع مالی داوطلبانه را به کمیتهٔ مسؤول سازمانهای غیردولتی اعلام کند این شامل کمک‌های دولتها نیز می‌شود.

- سازمان غیردولتی که متقاضی برخورداری از مقام مشورتی عام یا خاص است یا درخواست ثبت در لیست را دارد باید امکان پاسخ‌گویی به هر سؤال یا اعتراض از سوی کمیته مسؤول سازمانهای غیردولتی را داشته باشد قبل از آن که تصمیمی درمورد درخواست آن سازمان اتخاذ گردد. سازمانهای غیردولتی که دارای شرایط فوق باشند درخواست خود درمورد برخورداری از مقام مشورتی عام یا خاص یا ثبت در لیست را تقدیم کمیتهٔ

مسئول سازمانهای غیردولتی کرده که پس از بررسی، در اکوسوک مطرح و تصمیم‌گیری می‌شود. برای برخورداری از هریک از وضعیتهای فوق وجود رأی مثبت اکثریت دو سوم اعضای اکوسوک ضروری است.

براساس اعلام اکوسوک در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ تعداد ۱۹۹۵ سازمان دولتی در ارتباط با اکوسوک هستند که از این تعداد ۱۲۰ سازمان از مقام مشورتی عام، ۱۰۰۳ سازمان از مقام مشورتی خاص و ۸۷۲ سازمان در لیست ثبت شده‌اند.^{۴۷} از آن زمان تاکنون نیز تعداد این سازمانها افزایش یافته است و در اوایل ماه فوریه ۲۰۰۱ این تعداد به ۲۰۱۰ سازمان رسیده است.^{۴۸}

برخورداری هرچه بیشتر سازمانهای غیردولتی از مقام مشورتی، که نمایانگر بخش اعظمی از افکار عمومی هستند، به اکوسوک امکان می‌دهد که هرچه بیشتر از اصلی‌ترین و مهمترین نقطه‌نظرات موجود در قلمروهای خاص در سراسر جهان برخوردار شود؛^{۴۹} و از این طریق مشارکت هرچه بیشتر نهادهای مدنی در اداره امور تأمین گردد.

همانطور که می‌دانیم نظام پذیرش در سازمانهای بین‌المللی در درون خود مسائل تعلیق یا اخراج را نیز دربر دارد؛^{۵۰} این قاعده در مورد سازمانهای غیردولتی مرتبط با اکوسوک و ارکان فرعی آن نیز صدق می‌کند.

47. Voir Economic and Social Council, E/2000/INF/4 du 9 November 2000.

48. Voir Le Journal "Le Monde" du 3 février 2001, <http://www.lemonde.fr>.

49. Voir la deuxième partie, alinéa 20, de la Résolution 1996/31.

۵۰. بیگزاده، ابراهیم، «حقوق سازمانهای بین‌المللی»، جزوه درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، صفحات ۲۳ به بعد.

هریک از سه گروه سازمانهای غیردولتی مرتبط با اکوسوک باید بطور دائمی خود را با اصول حاکم بر برقراری و ماهیت روابط با اکوسوک به‌منظور مشورت تطبیق دهند.

کمیتهٔ مسؤول سازمانهای غیردولتی اکوسوک^{۵۱} بطور ادواری فعالیتهای سازمانهای غیردولتی را براساس گزارش چهارسالانه^{۵۲} آنها و سایر عوامل مؤثر حاکم بر مقام مشورتی مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر کمیتهٔ مزبور، در این بررسی، با تخلفی از سوی سازمان غیردولتی برخورد کند می‌تواند تعلیق یا سلب مقام مشورتی آن سازمان را به اکوسوک توصیه کند. این توصیه به سازمان غیردولتی موردنظر نیز کتباً ابلاغ می‌شود و آن سازمان حق پاسخگویی به کمیته را دارد. در صورت عدم پذیرش پاسخ سازمان غیردولتی از سوی کمیته، مقام مشورتی آن می‌تواند:

- تا سه سال به حالت تعلیق درآید

- یا در موارد زیر سلب شود

* سوءاستفاده از وضعیت مشورتی برای انجام اعمال مغایر با اهداف و اصول منشور ملل متحد

* برخورداری از منابع مالی ناشی از فعالیتهای جنایی مانند قاچاق مواد مخدر، تطهیر درآمدهای نامشروع و قاچاق اسلحه

۵۱. کمیتهٔ مسؤول سازمانهای غیردولتی یکی از ارکان اکوسوک است که اعضای آن ۱۹ نفر می‌باشند که از سوی اکوسوک و باتوجه به توزیع منصفانه جغرافیایی انتخاب می‌شوند. کمیته رئیس و اعضای هیأت رئیسه خود را انتخاب می‌کند. این کمیته سالانه یک اجلاس برگزار و نتیجهٔ کار خود را به اکوسوک گزارش می‌کند.

۵۲. سازمانهای غیردولتی عام و خاص مشورتی موظفند هر چهار سال یکبار گزارش فعالیتهای خود را از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیتهٔ مسؤول سازمانهای غیردولتی ارائه دهند.

* عدم مشارکت مثبت یا مؤثر طی سه سال گذشته در کارهای سازمان ملل متحد و بطور خاص در کارهای اکوسوک یا ارکان فرعی آن.^{۵۳}

تعلیق یا سلب مقام مشورتی اکوسوک و براساس توصیه کمیته مسؤول سازمانهای غیردولتی انجام می‌شود. سازمان غیردولتی که مقام مشورتی آن سلب شده است حداقل نمی‌تواند تا سه سال از تاریخ مؤثر شدن سلب آن مقام درخواست جدیدی را به دبیرخانه سازمان ملل متحد تقدیم کند.

۲-۱-۲- دبیرخانه سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی برخوردار از مقام مشورتی می‌توانند طرف مشورت دبیرخانه سازمان ملل متحد در مورد مسائل مشترک قرار گیرند. این مشورت می‌تواند به درخواست سازمانهای غیردولتی یا دبیرکل سازمان ملل متحد انجام شود. در ضمن دبیرخانه می‌تواند اقدامهای ضروری را برای مشورت و صدور اعتبارنامه برای سازمانهای غیردولتی جهت شرکت در کنفرانسهای بین‌المللی زیر نظر سازمان ملل متحد انجام دهد. دبیرخانه می‌تواند امکاناتی را هم در اختیار سازمانهای غیردولتی قرار دهد که از آن جمله می‌توان از واگذاری انجام مطالعات مورد نظر سازمان، دسترسی به مرکز اسناد، شرکت در مذاکرات رسمی، استفاده از کتابخانه سازمان ملل،

53. Voir la huitième partie, alinéa 55 et suivants, de la Résolution 1996/31.

قرار دادن اماکن ضروری برای گردهمایی‌های محدود، امکان شرکت در جلسات علنی مجمع عمومی در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی نام برد.^{۵۴}

۳-۱-۲- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد و سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی، اعم از این که از مقام مشورتی برخوردار باشند یا نباشند، می‌توانند با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد همکاری داشته باشند. این مسأله از همان زمان تأسیس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد احساس و به همین جهت هم قطعنامه (۱)۱۳ مجمع عمومی نیز به این نکته توجه کرده است.

برای این که سازمانهای غیردولتی بتوانند با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد همکاری داشته باشند باید به آرمانها و اهداف ملل متحد اعتقاد داشته و صرفاً برای مقاصد غیرتجاری و عدم سودبری تلاش کنند و ثابت کنند که در این همکاری نفع آشکار و مشخص در سازمان ملل متحد یا مؤسسات تخصصی آن دارند. در حال حاضر حدود ۱۶۰۰ سازمان غیردولتی با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد همکاری می‌کنند.

برای برقراری رابطه همکاری، سازمانهای غیردولتی باید درخواست کتبی خود را همراه با مدارک مثبت معیارهای فوق به بخش سازمانهای غیردولتی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد تسلیم نمایند. این درخواست به کمیته سازمانهای غیردولتی اکوسوک ارسال و در اجلاس سالانه آن مطرح و تصمیم‌گیری می‌شود.

54. Voir la dixième partie, alinéa 64 et suivants, de la Résolution 1996/31.

ذکر این نکته ضروری است که سازمانهای غیردولتی دارای مقام مشورتی با اکوسوک می‌توانند با مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد همکاری نمایند. در مورد این سازمانها تقدیم درخواست کتبی و ارائه یک برنامه دقیق کافی است و نیازی به بررسی درخواست آنها از سوی کمیته سازمانهای غیردولتی نیست.^{۵۵}

سازمانهای غیردولتی، علاوه بر روابطشان با سازمان ملل متحد، با مؤسسات تخصصی و برنامه‌های مختلف ملل متحد نیز همکاری دارند که ذیلاً به اختصار به روابط آنها با مؤسسات تخصصی ملل متحد اشاره می‌شود.

۲-۲- رابطه سازمانهای غیردولتی با مؤسسات تخصصی ملل متحد

اغلب مؤسسات تخصصی ملل متحد از مشورت سازمانهای غیردولتی استفاده می‌کنند. این مؤسسات برای استفاده از مشورت سازمانهای غیردولتی وجود یک سری شروط عمومی در آن سازمانها را درخواست می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از:

- خصوصی و غیردولتی بودن
- داشتن صلاحیت در قلمرو فعالیتهای مؤسسه تخصصی ملل متحد
- داشتن فعالیت مؤثر در چند کشور
- داشتن اقتدار و توانایی در تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مؤسسه تخصصی ملل متحد

55. The United Nations Non-Governmental Liaison Service (The NGLS) handbook, third edition, Geneva, Rome, New York, 2000, pp. 12-13.

– داشتن شهرت و آوازه در زمینه‌های موردنظر مؤسسه تخصصی ملل

متحد

– انطباق داشتن هدف سازمان غیردولتی با اصول کلی حاکم بر

مؤسسه تخصصی ملل متحد

– داشتن ارکان داخلی دموکراتیک^{۵۶}

علاوه بر این شروط کلی هریک از مؤسسات تخصصی که از مشورت سازمانهای غیردولتی برخوردار می‌شوند دارای شروط و قواعد خاص خود هم می‌باشند.

در میان مؤسسات تخصصی ملل متحد که از مشورت و همکاری سازمانهای غیردولتی بهره‌مند می‌شوند می‌توان از سازمانهای زیر نام برد.

۱-۲-۲- سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) و سازمانهای

غیردولتی

مبنای تئوریک همکاری فی‌مابین سازمانهای غیردولتی و فائو بندهای ۲ و ۳ بخش (P) متون بنیادین این سازمان می‌باشد. طبق این بندها فائو حق دارد موافقتنامه‌هایی با سازمانهای غیردولتی بین‌المللی منعقد نماید و از مشورت، همکاری و کمک‌های فنی آنها بهره‌مند گردد.^{۵۷} در حال حاضر

56. Beigbeder Yves, op. cit., p. 38.

57. Fadda Denis "La F.A.O. et les organisations internationales non-gouvernementales" in "Les O.N.G. et le droit international", op. cit., p. 190.

فائو از خدمات ۱۹۶ سازمان غیر دولتی استفاده می‌کند که در سه گروه مشورتی عام، مشورتی خاص و وضعیت پیوسته قرار دارند.^{۵۸}

۲-۲-۲- صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی و سازمانهای غیردولتی
صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی با سازمانهای غیردولتی از سراسر جهان اعم از کشورهای توسعه‌یافته مثل آمریکا، انگلستان، فرانسه و از کشورهای در حال توسعه مانند زیر (کنگو دموکراتیک)، غنا ... همکاری می‌کند، البته اغلب آنها (حدود ۸۰٪) از کشورهای در حال توسعه می‌باشند. در فوریه ۱۹۹۹ تعداد سازمانهای غیردولتی که با صندوق همکاری می‌کنند افزایش یافته و به ۳۷۰ سازمان بالغ شده است.^{۵۹} با توجه به اهداف صندوق اغلب سازمانهای غیردولتی مرتبط با آن در قلمرو توسعه روستایی فعالیت می‌کنند.

۲-۲-۳- آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمانهای غیردولتی
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملل متحد به دو شکل با سازمانهای غیردولتی همکاری می‌کند. شکل اول شامل پذیرش و اعطای مقام مشورتی رسمی از سوی آژانس به سازمانهای غیردولتی است. در حال حاضر حدود ۱۹ سازمان غیردولتی از چنین وضعیتی برخوردار هستند. شکل دوم پذیرش سازمانهای غیردولتی از سوی آژانس به‌عنوان ناظر در کنفرانس عمومی خود

58. The NGLS handbook, op. cit., p. 32.

59. The NGLS handbook, op.cit., p. 50.

می‌باشد. هم‌اکنون ۲۰ سازمان از وضعیت ناظر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برخوردار می‌باشند.^{۶۰}

۲-۲-۴- سازمان بین‌المللی کار و سازمانهای غیردولتی

باتوجه به این که سازمان بین‌المللی کار با سه گروه کارگران، کارفرمایان و دولتها درارتباط است لذا رابطه آن با سازمانهای غیردولتی چندان ساده نیست. اما به هر حال سعی می‌شود که از سه گروه سازمان غیردولتی استفاده شود:

- گروه اول شامل سازمانهای غیردولتی است که نفع و نقش مهمی در فعالیتهای سازمان بین‌المللی کار در سطوح جهانی یا منطقه‌ای دارند. در این مورد سازمان بین‌المللی کار از ۸ سازمان غیردولتی در سطح جهانی و از ۱۶ سازمان غیردولتی در سطح منطقه‌ای استفاده می‌کند.

- دسته دوم فهرستی از سازمانهای غیردولتی غیرکارگری و غیرکارفرمایی است که به اهداف سازمان بین‌المللی کار علاقه‌مند هستند. تعداد آنها بستگی به میزان علاقه‌مندی و منفعتی دارد که در برنامه‌های سازمان بین‌المللی کار از خود نشان می‌دهند. اخیراً بیش از ۱۵۰ سازمان غیردولتی در این قالب با سازمان بین‌المللی کار همکاری می‌کنند.

- دسته سوم دربرگیرنده سازمانهای غیردولتی است که معیارهای شرکت در گردهمایی‌های سازمان بین‌المللی کار را دارند و در این خصوص منفعت و علاقه خاصی را نشان می‌دهند.^{۶۱} سازمانهای غیردولتی

60. The NGLS handbook, op. cit., p. 40.

61. The NGLS handbook, op. cit., pp. 72-77.

کارگری و کارفرمایی علاوه بر مشورت با سازمان بین‌المللی کار نقش مهمی در تصویب قواعد بین‌المللی کار هم دارند.^{۶۲}

۲-۲-۵- سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و

سازمانهای غیردولتی

یونسکو از زمان تأسیس خود در فکر همکاری با سازمانهای غیردولتی بوده است. به همین دلیل بند ۴ ماده ۱۱ سند مؤسس یونسکو همکاری با سازمانهای غیردولتی را پیش‌بینی نموده است. طبق این بند «یونسکو ترتیبات مناسب برای مشورت و همکاری با سازمانهای غیردولتی بین‌المللی را که در قلمرو صلاحیت آن فعالیت دارند فراهم می‌کند و ممکن است از آنها برای عهده‌دار شدن وظایف خاصی دعوت به عمل آورد». یونسکو، در راستای اجرای این بند، در سال ۱۹۹۵ سندی را تصویب نمود که طبق آن دو شکل رابطه با سازمانهای غیردولتی پیش‌بینی شده است.

- رسمی

- عملیاتی

رابطه رسمی یونسکو با سازمانهای غیردولتی به دو شکل تحقق

می‌یابد:

- اعطای مقام مشورتی به سازمانهای غیردولتی و بنابراین استفاده از

مشورت آنها

- همکاری با سازمانهای غیردولتی

62. Dao hau tuong "Le rôle des organisations d'employeurs et de travailleurs dans l'adoption des normes internationales du travail" in "Les O.N.G. et le droit international", op. cit., 207-221.

این نوع روابط برای مدت شش سال برقرار و قابل تمدید نیز می‌باشند.

رابطه عملیاتی یونسکو با سازمانهای غیردولتی از انعطاف بیشتری برخوردار است. در این حالت به دلیل کم‌تر بودن تشریفات اداری، یونسکو می‌تواند با سازمانهای غیردولتی بیشتری رابطه داشته‌باشد.

هر سه سال یکبار یک کنفرانس فیما بین سازمانهای غیردولتی رسمی و عملیاتی با یونسکو برگزار می‌شود، که طی آن برنامه‌ها و نتایج حاصل از روابط موجود مورد بررسی قرار می‌گیرند. کنفرانس یک نفر را بعنوان رییس انتخاب می‌کند، همچنین یک کمیته ارتباط سازمانهای غیردولتی و یونسکو متشکل از سازمانهای غیردولتی انتخاب می‌شوند. این کمیته در مورد اتخاذ تصمیمات مناسب در کنفرانس عمومی و همچنین در مورد کنفرانس یونسکو با سازمانهای غیر دولتی با مدیر کل یونسکو همکاری می‌کند.^{۶۳}

۶-۲-۲- سازمان ملل متحد برای توسعه صنعتی (یونیدو) و سازمانهای

غیردولتی

یونیدو با مجموعه‌ای از سازمانهای غیردولتی بین‌المللی، داخلی و محلی در قلمرو صنعت و تجارت همکاری می‌کند. از مهمترین سازمانهای طرف همکاری با یونیدو، اتاقهای تجارت و صنایع می‌باشند.

63. The NGLS handbook, op. cit. pp. 201 – 204.

یونیدو با سازمانهای غیردولتی در زمینه مشورتی و برنامه‌ریزی همکاری می‌کند. در حال حاضر ۱۲۲ سازمان غیردولتی از مقام مشورتی در یونیدو برخوردارند.^{۶۴}

۷-۲-۲- سازمان بهداشت جهانی و سازمانهای غیردولتی از زمان

تأسیس

در سازمان بهداشت جهانی همکاری با سازمانهای غیردولتی در قلمرو بهداشت مهم تلقی شده‌است. ماده ۷۱ سند مؤسس سازمان بهداشت جهانی اشعار می‌دارد که «این سازمان ممکن است ترتیبات و تدابیر مناسب برای مشورت و همکاری با سازمانهای غیردولتی در قلمرو بهداشت اتخاذ نماید». از فوریه ۱۹۹۹ حدود ۱۹۳ سازمان غیر دولتی با سازمان بهداشت جهانی همکاری رسمی دارند.^{۶۵}

۱-۲-۲- گروه بانک جهانی و سازمانهای غیردولتی

از آنجا که سازمانهای غیردولتی در ارتباط نزدیک با کشورهای فقیر و فقرا هستند بنابراین بهترین وسیله برای کمک مستقیم به آنها محسوب می‌شوند و همکاری با سازمانهای غیردولتی اگرچه از ابتدای تأسیس بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه وجود داشت اما از پایان دهه هشتاد است که این

64. The NGLS handbook, op. cit. p. 245-246.

65. The NGLS handbook, op cit, p. 313-319.

همکاری توسعه فزاینده‌ای یافته‌است.^{۶۶} بانک و سازمانهای غیردولتی از تجارب یکدیگر برای مبارزه با فقر استفاده می‌کنند.

یک بخش سازمانهای غیردولتی در بانک جهانی تشکیل شده‌است که مرکز تبادل اطلاعات میان بانک و سازمانهای غیردولتی است. اکثر فعالیتهای سازمانهای غیردولتی و بانک در قلمروهای زیر انجام می‌شود.
- تسهیل همکاری سازمانهای غیردولتی در اجرای طرحها یا مشاوره طرحها

- ایجاد و برقراری گفتگوی سازنده میان سازمانهای غیردولتی و بانک

- کمک سازمانهای غیردولتی به رعایت حقوق بشر در کشورهای متقاضی وام

- فشار به کشورها برای کمک به سازمانهای غیردولتی طرفدار محیط زیست

از سال ۱۹۸۶ سازمانهای غیردولتی سالانه یک گردهمایی در مورد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تشکیل می‌دهند. در کنفرانس ۱۹۹۰ که با حضور ۲۰۰۰ نماینده از سازمانهای غیردولتی ۵۰ کشور جهان تشکیل شد نسبت به سیاست بانک و صندوق بین المللی پول در مورد برنامه «اصلاح ساختاری» انتقاد شد و اعلام گردید که بانک و صندوق مسؤلیت یک

۶۶. سازمانهای غیردولتی در سال ۱۹۸۹ در اجرای ۲۰۲ طرح بانک جهانی که ۵٪ کل طرحهای این بانک را تشکیل می‌دهد مشارکت نموده‌اند. Beigbeder Yves, op. cit, p.38

بخش از عقب ماندگی اقتصادی و زیست محیطی در کشورهای جنوب را برعهده دارند.

در پایان این بحث باید متذکر شد که علاوه بر مؤسسات تخصصی ملل متحد بسیاری از برنامه‌ها و صندوقهای سازمان ملل متحد نیز با سازمانهای غیردولتی همکاری دارند که در این مورد می‌توان از همکاری سازمانهای غیردولتی با برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد، یونیسف و ... نام برد.^{۶۷}

ب: رابطه سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بین‌الدولی منطقه‌ای

امروزه اغلب سازمانهای بین‌الدولی منطقه‌ای در کلیه مناطق جهان با سازمانهای غیردولتی همکاری می‌کنند. اما از آنجا که همکاری این دو دسته سازمان با یکدیگر به جز در اروپا چندان نهادینه نشده است لذا در این قسمت فقط اشاره‌ای به همکاری فی‌مابین سازمانهای بین‌الدولی منطقه‌ای اروپا و سازمانهای غیردولتی خواهد شد.

۱- شورای اروپا و سازمان غیردولتی

مسئله همکاری میان سازمانهای غیردولتی و شورای اروپا از سال ۱۹۵۱ با طرح در کمیته وزرای شورای اروپا آغاز شد. در این کمیته به اهمیت سازمانهای غیردولتی در پیشبرد فعالیتهای شورای اروپا اشاره شد. قواعد حاکم بر روابط شورا و سازمانهای غیردولتی در ۱۹۵۴ تصویب و در ۱۹۶۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

67. The NGLS handbook. op. cit.

در حال حاضر «آیین نامه مقام مشورتی» که در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۲ توسط شورای وزیران شورا تصویب شده است، حاکم بر روابط این شورا و سازمانهای غیردولتی است. طبق این آیین نامه فقط یک گروه سازمان غیردولتی وجود دارد که طرف مشورت شورا قرار می‌گیرد. مقام مشورتی می‌تواند به سازمانهای غیردولتی بین‌المللی «که بطور خاص معرف یک سازمان غیردولتی در قلمرو واقع در صلاحیتشان باشد و با فعالیتهایش در یک بخش مشخص قادر به مشارکت در ایجاد یک اتحادیه منسجم‌تر با دولتهای عضو شورای اروپا برای نیل به یک هدف مشترک مصوب باشد» اعطا می‌شود.

سازمانهای غیردولتی دارای مقام مشورتی در شورای اروپا باید تعهد نمایند که حداکثر تلاش خود را برای تحقق اهداف شورا بکار گیرند، دبیرکل شورا را از فعالیتهای خود که می‌توانند مورد توجه و استفاده شورا واقع باشند مطلع نموده و به او اطلاعات، اسناد و نظرات لازم در قلمرو صلاحیتشان را بدهند.

سازمانهای غیردولتی مقام مشورتی خود را در شورا از دست می‌دهند، زمانیکه ثابت شود که دیگر نفعی و نقشی در تحقق اهداف شورا نداشته‌اند یا در مواردی که از اجرای تعهدات خود سرباز زنند. مقام اعطا کننده و سلب کننده مقام مشورتی در شورای اروپا دبیرکل شورا می‌باشد مگر آنکه مخالفتی از سوی شورای وزیران یا مجمع مشورتی شورا وجود داشته باشد.^{۶۸}

68. Beigbeder yves, op. cit. pp. 39-41.

در آغاز دهه هشتاد حدود ۲۴۴ سازمان غیردولتی در شورای اروپا از مقام مشورتی برخوردار بوده‌اند.^{۶۹}

سازمانهای غیردولتی در فعالیتهای شورای اروپا بخصوص در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، اطلاعات، فرهنگ، محیط زیست و حقوق بشر مشارکت می‌کنند.

توسعه فعالیتهای سازمانهای غیردولتی و شورای اروپا سبب شد که در ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ کنوانسیون استراسبورگ در مورد شخصیت حقوقی سازمانهای غیردولتی در چارچوب شورای اروپا منعقد گردد که قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سازمانهای غیردولتی

طبق تصمیم شورای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در ۱۳ مارس ۱۹۶۲، سازمانهای غیردولتی که دارای فعالیت گسترده‌ای در قلمرو اقتصادی هستند می‌توانند در این سازمان از مقام مشورتی برخوردار شوند. این مقام به آنها اجازه می‌دهد تا در قلمروهای مورد علاقه و مشترک مطالعه و همکاری نمایند و مسائل مهم مطروحه در یک قلمرو خاص را مورد مشورت قرار دهند. برخلاف سازمان ملل متحد و شورای اروپا، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در اعطای مقام مشورتی به سازمانهای

69. NGO 89 "international non - governmental organizations enjoying consultative status with the Council of Europe" Council of Europe, Strasbourg, 1989, 232 page.

غیردولتی خیلی محتاط بوده و در حال حاضر حدود ۵ سازمان غیردولتی از چنین مقامی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برخوردارند.^{۷۰}

۳- اتحادیه اروپا و سازمانهای غیردولتی

از پایان دهه هفتاد روابط نهادینه‌ای فی‌مابین کمیسیون جوامع اروپایی (و بعد اتحادیه اروپا) و سازمانهای غیردولتی - برقرار شده‌است. جامعه اقتصادی اروپا از ۱۹۷۶ از سازمانهای غیردولتی در برنامه‌های توسعه‌ای خود بهره گرفته‌است. جامعه اقتصادی اروپا، علاوه بر اجرای طرحهای مشترک با سازمانهای غیردولتی، کمک‌های غذایی و فوری خود را با یاری سازمانهای غیردولتی اروپایی به مناطق نیازمند رسانده‌است.

نمایندگان سازمانهای غیردولتی کشورهای اتحادیه اروپا در مجمع عمومی خود که سالانه در بروکسل تشکیل می‌شود شرکت می‌کنند. آنها نمایندگان خود را در کمیته مشترک اتحادیه اروپا و سازمانهای غیردولتی و در کمیسیون اروپا تعیین می‌کنند. این کمیته به ۶۰۰ سازمان غیردولتی امکان می‌دهد که در ارتباط با یکدیگر بوده و به‌علاوه در گفتگوی دائمی با کمیسیون و پارلمان اروپا باشند.^{۷۱}

70. Beigbeder yves, op. cit, pp. 41 – 42 voir également, Lahner Herbert « La contribution des O.N.G à la formation et à l'application des normes internationales dans le cadre de l'O.C.D.E. » in « Les O.N.G. et le droit international » op. cit, pp. 221-227.

71. Beigbeder yves, op. cit, pp. 41-42.

II - رابطه سازمانهای غیردولتی با یکدیگر

روابط فیما بین سازمانهای غیردولتی با یکدیگر دلیل بر استقلال آنها و مبتنی بر رضای آنهاست. تجمع و همکاری میان سازمانهای غیردولتی ممکن است در سطح جهانی و یا منطقه‌ای برای هماهنگ نمودن برنامه‌ها و اجرای آنها، تبادل اطلاعات، انعطاف پذیری مشترک، استفاده از منابع مشترک، ارزیابی مدیریت و فعالیت‌های خود باشد.

الف: رابطه میان سازمانهای غیر دولتی در سطح جهانی

رابطه میان سازمانهای غیردولتی در سطح جهانی در دو چارچوب سازمان ملل متحد و خارج از آن برقرار می‌شود.

۱- رابطه میان سازمانهای غیردولتی در چارچوب سازمان ملل متحد

تجمع و همکاری میان سازمانهای غیردولتی در چارچوب سازمان ملل متحد به کمک کنفرانس سازمانهای غیردولتی (CONGO) دارای مقام مشورتی در اکوسوک تحقق می‌یابد. این کنفرانس به سازمانهای غیردولتی در تلاش مشترکشان برای کمک به تحقق اهداف ملل متحد کمک می‌کند و سعی می‌نماید که مقام مشورتی آنها با سازمان ملل متحد توسعه و بهبود یابد. این کنفرانس در ضمن محلی برای ملاقات سازمانهای غیردولتی دارای منافع مشترک است.

رکن کنفرانس که مجمع سه سالانه آن می‌باشد معرف کلیه سازمانهای غیردولتی عضو است. مجمع هیأت ریسه را، که متشکل از یک رئیس و بیست نفر از بیست سازمان عضو است، انتخاب می‌کند. هیأت

ریسه تداوم کار فیما بین اعضا در فاصله اجلاسهای مجمع را تضمین می کند. این مجمع بطور عادی در نیویورک یا ژنو تشکیل جلسه می دهد. کنفرانس، در هر دو مرکز، کمیته های خاص حقوق بشر، توسعه، خلع سلاح، وضعیت زنان، ضدنژاد پرستی، تبعیض نژادی آپارتاید و استعمار زدایی، شرکتهای فراملی و سالمندان دارد و در مرکز وین هم کمیته مواد مخدر را تشکیل داده است.

همانگونه که ملاحظه می شود این کنفرانس سبب شده است که مشارکت و همکاری سازمانهای غیردولتی در سازمان ملل متحد، مؤسسات تخصصی و ارکان فرعی آن بصورت چشم گیری افزایش یابد.^{۷۲}

۲- رابطه میان سازمانهای غیردولتی در خارج از چارچوب سازمان ملل متحد
تجمع اصلی سازمانهای غیردولتی در خارج از سازمان ملل متحد در قالب شورای بین المللی سازمانهای غیردولتی داوطلب (ICVA) تحقق می پذیرد. این شورا در سال ۱۹۶۲ در ژنو با ادغام گروههای سازمانهای غیردولتی مشورتی در زمینه مهاجرت و پناهندگی ایجاد شده است. در اوایل دهه نود حدود ۸۲ سازمان غیردولتی از کلیه نقاط جهان در آن عضو شده اند. این شورا از فعالیتهای سازمانهای غیردولتی در کمک به پناهندگان و اشخاص جابجا شده اجباری، کمک رسانی فوری و توسعه پایدار حمایت می کند. این شورا خود مستقیماً در عملیات کمک رسانی یا توسعه فعالیتی ندارد بلکه خدمات و حمایت های لازم را به سازمانهای غیردولتی ارائه می کند تا آنها بتوانند برای انجام بهتر وظایف خود با یکدیگر همکاری کنند.

72. Beigbeder yves, op. cit, p. 30-38.

شورا، در حال حاضر، سه گروه کاری در قلمروهای

- توسعه پایدار، محیط زیست و جمعیت

- توسعه نهادینه

- پناهندگان و اشخاص جابجا شده اجباری و مهاجران

تشکیل داده است.

این شورا نقش یک تریبون بین‌المللی را ایفا می‌کند و آن را از طریق تشکیل کنفرانسهای ادواری توسعه به منظور تشویق روشهای توسعه درست و پایدار، متکی بر مردم و عملکرد جمعی انجام می‌دهد.

اولویت دیگر شورا تشویق و حمایت از تجمع‌های داخلی و منطقه‌ای

سازمانهای غیردولتی بخصوص در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی است.

شورا در ضمن یک مرکز بین‌المللی اسناد و ارتباطات برای

سازمانهای غیردولتی نیز محسوب می‌شود.^{۷۳}

ب: رابطه سازمانهای غیردولتی در سطح منطقه‌ای

سازمانهای غیردولتی در سطح منطقه‌ای بطور عمده در اروپا با

یکدیگر ارتباط و همکاری دارند. در این مورد می‌توان از سازمانهای

غیردولتی اروپایی کشورهای اتحادیه اروپا نام برد. این سازمانها دارای یک

مجمع عمومی سالانه هستند که در بروکسل تشکیل می‌دهند و در آن ضمن

تعیین محورهای همکاری با یکدیگر نمایندگان خود را در کمیته ارتباط با

اتحادیه اروپا تعیین می‌کنند.

73. Beigbeder yves, op. cit, pp. 43-45.

بخش دوم عملکرد سازمانهای غیردولتی

در کنار بعد تئوریک، بررسی عملکرد سازمانهای غیردولتی نیز حائز اهمیت است. آنچه که باید متذکر شد اینکه به علت وجود تعداد زیاد سازمانهای غیردولتی و قلمروهای وسیع فعالیتشان امکان مطالعه عملکرد همگی آنها میسر نیست، اما بنظر می رسد فعالیت سازمانهای غیردولتی در مهمترین قلمروها بتواند یک دید کلی از عملکرد آنها را بدست دهد. بنظر می رسد مهمترین قلمروهایی که سازمانهای غیردولتی در آنها فعال هستند قلمروهای بشردوستانه، حقوق بشر و توسعه باشند. به همین دلیل هم در این بخش فعالیت سازمانهای غیردولتی در این سه قلمرو مورد مطالعه قرار می گیرد.

فصل اول

عملکرد سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

بشر دوستی منشأ ایجاد بسیاری از سازمانهای غیردولتی بوده است که بطور عمده در قالب نوع دوستی و همبستگی تجلی می یابد. در این فصل ابتدا مبانی عملکرد و سپس فعالیت سازمانهای غیردولتی بشردوستانه و سرانجام مشکلات آنها مورد مطالعه قرار می گیرند.

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

قبل از تشکیل سازمانهای غیردولتی بشردوستانه افراد زیادی بخصوص در کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیدند که باید از بی تفاوتی، تکبر و اینکه هرگونه عملی بی فایده، غیرممکن و یا حتی مضر است دست برداشت و به یاری نیازمندان شتافت. این فکر منشأ ایجاد بسیاری از سازمانهای غیردولتی بشردوستانه گردید.

عمده ترین فعالیت سازمانهای غیردولتی بشردوستانه رساندن کمک بشردوستانه است. کمک بشردوستانه می تواند شامل رساندن مواد غذایی، لباس، اسکان، دارو و مراقبتهای پزشکی به نیازمندان یا کمک مالی به سازمانهایی که چنین اعمالی را انجام می دهند باشد.

عملکرد سازمانهای غیردولتی در این قلمرو ماهیتاً جنبه مداخله گرانه چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی دارد. چونکه این سازمانها تلاش می کنند که بطور عینی و مستقیماً به یاری فقرا، ضعفا، بیماران، زخمیان، پناهندگان، جابجا شدگان اجباری، قربانیان حوادث طبیعی و قربانیان اعمال ستمگرانه انسانهای دیگر بشتابند. اینچنین مداخله ای می تواند از سوی دولتها پذیرفته یا رد شود.

در صورت عدم پذیرش چنین کمک هایی،^{۷۴} بنظر می رسد که بتوان رساندن کمک به نیازمندان را به دولت تحمیل کرد. در چنین حالتی

۷۴. این کمک ها می تواند به عناوین مختلف مورد پذیرش قرار نگیرند. این موارد عبارتند از:

- دولت با استناد به بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد هرگونه مداخله در امور داخلی خود را رد می کند
- دولت اعلام می دارد که منابع لازم برای مقابله با مشکلات را دارد و بنابراین نیازی به کمک خارجی ندارد
- دولت ویژگی بی طرفی یا صرفاً بشردوستانه بودن سازمانهای غیردولتی را مورد تردید و سؤال قرار می دهد.

کمک‌ها باید با یا حتی بدون موافقت مقامات دولتی به نیازمندان رسانده شوند. البته چنین ادعایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل کلاسیک توجیه‌پذیر و قابل قبول نمی‌باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری هم در قضیه تنگه کرفو در سال ۱۹۴۹ آن را رد نموده‌است، دیوان در این قضیه اظهار می‌دارد:

«حق ادعایی مداخله نمی‌تواند چیزی جز تجلی یک سیاست زورمدارانه باشد، سیاستی که در گذشته، منجر به شدیدترین سوء استفاده‌ها شده و نمی‌تواند هیچ جایگاهی در حقوق بین‌الملل داشته‌باشد».^{۷۵}

بنابراین براساس این دیدگاه مداخله یک نهاد خصوصی در یک دولت نیاز به کسب موافقت آن دولت را دارد. اما بنظر می‌رسد که این دیدگاه در پرتو تحولات جامعه بین‌المللی دچار تحول شده‌باشد. با توجه به اینکه امروزه حق حیات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر^{۷۶} جزو حقوق بنیادین بشر لحاظ شده‌است و از ویژگی آمریت برخوردار می‌باشد و باید به آن حق بر سلامتی^{۷۷} را نیز اضافه نمود، به نظر می‌رسد که مداخله در یک دولت صرفاً به قصد رساندن کمک‌های بشردوستانه، آنچه که امروز تحت

- دولت نمی‌تواند امنیت اعضای سازمانهای غیردولتی را در برخی از بخش‌های سرزمین خود تأمین کند البته گاهی هم ممکن است دولتی موافقت مشروط کند بدین معنا که اعلام می‌کند کمک‌ها باید توسط خود دولت یا با نظارت آن دولت در اختیار نیازمندان قرار داده شود.

75. *Affaire de déroit de corfou, Recueil des Arrêts, Avis consultatifs et Ordonnances, 1949, p. 75.*

۷۶. رجوع شود به ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶.

۷۷. رجوع شود به پیشگفتار سند مؤسس سازمان بهداشت جهانی.

عنوان «مداخله بشردوستانه هم گفته می‌شود، دارای وجاهت حقوقی باشد».^{۷۸}

باید به رنج بشر، چه ناشی از مخاصمات مسلحانه و چه در اثر بروز بلایای طبیعی و در هر نقطه جهان، پایان داد؛ و در این راه سازمانهای غیردولتی باید بتوانند کمک‌های خود را به نیازمندان ارائه نمایند و دولتها مکلفند امکان دسترسی به نیازمندان و قربانیان را فراهم کنند.

از لحاظ حقوقی نیز چنین نظریه‌ای رفته‌رفته دارای مبانی در حقوق بین‌الملل شده است. مبدأ حرکت قطعنامه‌ای است که در اولین کنفرانس بین‌المللی «حقوق و اخلاق بشری» در پاریس در سال ۱۹۸۷ تحت عنوان «کمک بشردوستانه و حق بر این کمک» به تصویب رسید.

طبق این قطعنامه کلیه دولتهای عضو جامعه جهانی باید، در یک سند بین‌المللی، «حق قربانیان بر کمک‌های بشردوستانه و تکلیف دولتها به مشارکت در رساندن چنین کمک‌هایی را به رسمیت بشناسند».^{۷۹}

در سال ۱۹۸۸ به ابتکار فرانسه پیش‌نویس قطعنامه‌ای تحت عنوان «کمک بشردوستانه به قربانیان حوادث طبیعی و وضعیتهای فوری از این نوع» در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. این

۷۸. البته باید بین دیدگاه سنتی مداخله بشردوستانه و دیدگاه جدید آن قائل به تفکیک شد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

بیگزاده، ابراهیم «حقوق بین‌الملل عمومی ۲»، جزوه درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Corten olivier, Klein pierre « Droit d'ingérence ou obligation de réaction » Bruylant, Bruxelles, 1992.

Betati Mario, Kouchner Bernard « le devoir d'ingérence » Denoël » Paris, 1987.

79. Betati Mario > Kouchner Bernard « Le devoir d'ingérence », Denoël, Paris, 1987. p. 291 - 292.

پیش نویس سرانجام به شماره ۴۳/۱۳۱ در ۸ دسامبر ۱۹۸۸ بدون رأی گیری به تصویب رسید. در این قطعنامه به اهمیت مشارکت در کمک های بشردوستانه ای که از سوی سازمانهای بین الدولی و غیردولتی که با هدف صرفاً بشردوستانه ارائه می شوند اشاره شده است، و از کلیه دولتهای نیازمند این کمک ها دعوت شده است که تسهیلات لازم برای رساندن کمک های بشردوستانه را فراهم کنند. البته در این قطعنامه به حاکمیت دولتها و نقش آنها در سازماندهی، هماهنگی و رساندن کمک های بشردوستانه در سرزمین خود نیز اشاره شده است.

در همین راستا، قطعنامه دیگری به شماره ۴۵/۱۰۰ در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ دیگر بار بدون رأی گیری به تصویب رسید. در این قطعنامه از دولتهایی که با مشکلات ناشی از بلایای طبیعی و وضعیتهایی از این قبیل مواجه می شوند خواسته شده است که با هماهنگی سایر دولتها، سازمانهای بین الدولی و غیردولتی مبادرت به «ایجاد راههای فوری برای توزیع کمک های دارویی و غذایی کنند». در این قطعنامه ضمن اشاره به حاکمیت دولتها به اهمیت مشارکت بی طرفانه و صرفاً بشردوستانه سازمانهای بین الدولی و غیردولتی در رساندن کمک های بشردوستانه اشاره شده است.

علاوه بر مصوبات مجمع عمومی، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در پی جنگ دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت) با تصویب قطعنامه ۶۸۸ در ۱۵ آوریل ۱۹۹۱ ضمن محکوم کردن سرکوبی مردم غیر نظامی عراق توسط مقامات آن کشور بر این مسأله پافشاری می نماید که دولت عراق باید «اجازه دسترسی فوری سازمانهای بین المللی بشردوستانه به تمام

کسانی که نیازمند کمک در کلیه نقاط عراق هستند بدهد و امکانات لازم برای اقدام آزاد را در اختیارشان قرار دهد».

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود قطعاً مسأله اعتبار و ارزش حقوقی این قطعنامه‌ها است. در مورد قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت که در چارچوب فصل هفتم صادر شده‌است باید گفت که طبق ماده ۲۵ منشور برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد لازم‌الاتباع است.

در مورد مصوبات مجمع عمومی، بخصوص آنکه در آنها به حاکمیت دولت‌ها اشاره شده‌است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان آنان را فاقد الزام‌دانسته و فقط نوعی توصیه محسوب می‌کنند. برخی دیگر نیز با تفکیک میان سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی و بین‌المللی غیردولتی بشردوستانه سعی کرده‌اند راه‌حلی بیابند. بدین ترتیب که گروه اول را با توجه به نص بند ۷ ماده ۲ منشور فاقد حق مداخله بشردوستانه می‌دانند و مداخله آنها را ممنوع می‌کنند، در حالیکه چنین ممنوعیتی را برای سازمانهای بین‌المللی غیردولتی قائل نیستند.^{۸۰}

بنظر می‌رسد بتوان گفت تصویب قطعنامه‌های مجمع عمومی بدون مخالفت بیانگر نوعی اعتقاد به الزامی بودن (opinio Juris sive necessitatis) پذیرش کمک‌های بشردوستانه باشد. در مورد قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت هم باید گفت، اگر چه محدود به عراق است، اما برای کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد لازم‌الاتباع می‌باشد، و این خود نشان از آن دارد که جامعه بین‌المللی در پی پذیرش الزامی کمک‌های بشردوستانه بخصوص از

80. Beigbeder yves, op. cit, pp. 82-87

جانب نهادهای غیردولتی است. معذک بنظر می‌رسد تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور مفید باشد چونکه به کلیه شبهات و بحث‌ها می‌تواند خاتمه دهد. پس از ارائه مطالب مختصری در خصوص مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی بشردوستانه، لازم است که فعالیت این سازمانها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

اگرچه کلیه سازمانهای غیردولتی در این گروه هدف بشردوستانه دارند، معذک به لحاظ برخی ویژگی‌های آنها فقط به مطالعه دو دسته از آنها خواهیم پرداخت که یکی نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و دیگری سازمانهای غیردولتی بشردوستانه «بدون مرز» می‌باشد.

الف: نهضت صلیب سرخ و هلال احمر

نهضت صلیب سرخ و هلال احمر که در سال ۱۸۶۳ آغاز شد مجموعه‌ای هماهنگ و لاییک از نهادهای ملی و بین‌المللی مستقل است. این نهادها در هدف، اصول بنیادین و پرچم مشترک و متحد می‌باشند. ایجاد این نهضت در واقع عکس‌العملی در مقابل مصائب ناشی از جنگها و تلاش برای «انسانی نمودن» آنها از طریق قواعد حقوقی است. نهضت از طریق این قواعد قصد دارد از وحشیگری‌ها و ستمگریهای دوران جنگ جلوگیری کرده و حمایت و کمک را برای قربانیان نظامی و

غیرنظامی فراهم نماید. فعالیت بشردوستانه این نهضت شامل کمک به قربانیان بلایای طبیعی هم می‌شود.

نهضت شامل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر و اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر می‌شود. مقر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ در شهر ژنو قرار دارد. کنفرانس بین‌المللی چهارسالانه صلیب سرخ و هلال احمر، که متشکل از نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اتحادیه جمعیت‌های ملی و دولتهای امضاء کننده کنوانسیونهای چهارگانه ژنو (منظور چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۸ ژنو می‌باشد) است، بالاترین رکن تصمیم‌گیری صلیب سرخ است.

نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در انجام مأموریت خود اصول زیر را، که اصول بنیادین آن می‌باشند، رعایت می‌کند:

- بشر دوستی: منظور کاهش آلام انسانی در کلیه وضعیتهای و کمک به فهم و درک مشترک از همکاری و ایجاد یک صلح پایدار میان انسانهاست.

- رفتار یکسان: نهضت در انجام وظایف خود هیچگونه تفکیکی بر مبنای تابعیت، نژاد، مذهب، شرایط اجتماعی و وابستگی سیاسی میان انسانها انجام نمی‌دهند. تنها اولویت کمک به وضعیت‌های فوری‌تر و خطرناکتر می‌باشد.

- بی‌طرفی: نهضت بمنظور حفظ اعتماد همه بخصوص دولتها، از ورود به هرگونه درگیریهای سیاسی، نژادی، مذهبی، ایدئولوژیکی و ... اجتناب می‌کند.

- استقلال: نهضت نهادی مستقل است. اگرچه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر تابع قانون دولت محل فعالیت خود هستند معهذا سعی می‌کنند به نوعی استقلال خود را حفظ کنند تا بتوانند همواره براساس اصول نهضت فعالیت کنند.

- داوطلبانه: نهضت یک حرکت بشردوستانه داوطلبانه است و هیچگونه منفعتی برای اعضا لحاظ نمی‌شود.

- یگانگی: در هر کشور باید فقط یک جمعیت صلیب سرخ یا هلال احمر وجود داشته‌باشد. عضویت در این جمعیت باید برای کلیه افراد امکانپذیر باشد. جمعیت مکلف است فعالیت بشردوستانه را در کل سرزمین دولت محل فعالیت خود گسترش و ارائه دهد.

- جهانی: نهضت، که در آن کلیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر از حقوق و تکالیف برابر برخوردارند، حرکتی جهانی است.^{۸۱}

با توجه به اصول فوق است که نهادهای تشکیل دهنده نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر فعالیت می‌کنند که در زیر به عملکردشان اشاره خواهد شد.

81. Recueil de textes de référence relatifs au mouvement international de la Croix - Rouge et du Croissant - Rouge, Genève, 1990, p. 8.

۱ - کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ریشه در حرکتی دارد که در سال ۱۸۶۳ توسط پنج نفر سویسی به رهبری هانری دونان (Henry Dunant) شروع شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یک نهاد خصوصی سویسی مستقل و غیرسیاسی است که فعالیت آن بین‌المللی شده است. این کمیته بعنوان نهادی بی‌طرف از لحاظ بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی، داخلی و حتی تنشهای داخلی مداخله می‌کند.

نقش کمیته در مخاصمات مسلحانه توسط چهار کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل ۱ و ۲ مصوب سال ۱۹۷۷ تعیین و تعریف شده است. فعالیتهای کمیته بطور عمده کمک به قربانیان نظامی و غیرنظامی، اسرای جنگی و زندانیان غیرنظامی، زخمیان جنگی، مردم عادی در سرزمینهای اشغالی یا در سرزمین دشمن و دیدار با زندانیان سیاسی می‌باشد. این کمیته همچنین نظارت بر اجرای کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ را به عهده دارد و در توسعه و نشر آن در سراسر جهان تلاش می‌کند. این کمیته همچنین نظارت بر اجرای اصول نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر را نیز عهده‌دار است. تصمیم‌گیری در مورد شناسایی جمعیت‌های ملی نیز در زمره صلاحیتهای این کمیته قرار دارد.

همانگونه که گفته شد کمیته یک نهاد تابع حقوق سویس است و کلیه اعضای آن سویسی می‌باشند اما قلمرو فعالیت آن بین‌المللی است، همین امر سبب شده است که عده‌ای به این ویژگی کمیته اعتراض کنند، و

در مقابل برخی هم بر این عقیده پای فشارند که چنین ویژگی استقلال کمیته را حفظ، تصمیم‌گیری در آن را آسان و محرمانه ماندن فعالیت‌هایش را تضمین می‌کند. بهر حال بی‌طرفی سوییس با وضعیت کمیته و فعالیت‌های آن ممکن است تعارض داشته باشد.

کمیته معمولاً کارهای خود را محرمانه و بدون تبلیغات انجام می‌دهد و معتقد است که بدون تبلیغات بهتر می‌تواند به نیازمندان کمک رساند مگر آنکه نقض شدید و آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود داشته باشد که در اینصورت ممکن است مسأله را علنی نماید. برای مثال می‌توان از علنی کردن نقض آشکار و شدید حقوق بشر دوستانه در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ در جریان جنگ ایران و عراق و یا در سال ۱۹۸۹ از طرف اسرائیل توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نام برد.^{۸۲}

کمیته خود متشکل از ۲۵ نفر شهروند سویسی است اما حدود ۶۰۰ نفر بطور دائم در مقر آن در ژنو فعالیت می‌کنند که اکثریت آنها سویسی می‌باشند، علاوه بر آن کمیته دارای ۶۰۰ نمایندگی با بیش از ۲۵۰۰ پرسنل در نقاط مختلف جهان می‌باشد.

۸۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

- Bretton philippe « le comité international de la Croix - Rouge et les protocoles de Genève du 10 juin 1977 » in « les O.N.G. et le droit international op. cit pp. 61 - 93
- Sassoli Marco « la contribution du C.I.C.R. à la formation et à l'application des normes internationales », in « les O.N.G et le droit international ». op. cit. pp. 93 - 103.

۲- جمعیت های ملی صلیب سرخ و هلال احمر

جمعیت های ملی صلیب سرخ و هلال احمر در بیش از ۱۴۷ کشور جهان وجود دارند.^{۸۳} در کشورهای اسلامی بجای صلیب سرخ از هلال سرخ در زمینه سفید استفاده می شود. این جمعیت ها در واقع همان سازمانهای غیردولتی داخلی هستند.

فعالیت های این جمعیت ها برحسب دولت مقرر (محل فعالیت) متفاوت هستند. این فعالیتها شامل کمک های فوری، خدمات بهداشتی، کمک های اجتماعی به اشخاص یا گروهها، آموزش پرسنل پرستاری، نقل و انتقال و رساندن خون به بیماران و برنامه برای جوانان می باشد.

در زمان جنگ جمعیت ها بعنوان کمک به خدمات بهداری نیروهای مسلح عمل می کنند. آنها از نظامیان بیمار و زخمی مراقبت کرده و به کمک زندانیان و پناهندگان می آیند.

آنها، برای شناسایی شدن از سوی کمیته بین المللی صلیب سرخ و پذیرش در اتحادیه جمعیت های صلیب سرخ و هلال احمر، باید شروطی از جمله احترام به اصول بنیادین نهضت بخصوص برخورد یکسان و بیطرفی را رعایت کنند. آنها باید همچنین از سوی دولت متبوع خود نیز بعنوان جمعیت های داوطلب کمک به دولت شناخته شوند.

83. Beigbeder yves, op. cit. p. 73.

۳- اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر

اتحادیه جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر یک سازمان غیردولتی بین‌المللی است. این نهاد در واقع فدراسیون جمعیت‌های ملی است و مقر آن در ژنو قرار دارد. این سازمان غیردولتی بعنوان یک نهاد تابع قانون سوییس در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند. هدف کلی این اتحادیه تشویق، ترغیب، تسهیل و پیشبرد فعالیتهای بشردوستانه جمعیت‌های ملی بمنظور جلوگیری و کاهش آلام و رنجهای بشری و همچنین مشارکت در حفظ و توسعه صلح در سراسر جهان است. این اتحادیه کمک‌های بین‌المللی برای قربانیان بلایای طبیعی یا ظلم‌های انسانی را سازماندهی و هماهنگ می‌کند. براساس موافقتنامه منعقد شده ۲۰ اکتبر ۱۹۸۹ فیما بین اتحادیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صلاحیتهای هر یک از دو نهاد در قلمرو کمک‌های بین‌المللی بشرح زیر تنظیم شده است:

- در وضعیتهای جنگی و از این قبیل، این کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که رهبری عمومی فعالیتهای بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر را به عهده دارد.

- در حالت صلح این اتحادیه است که هماهنگ کننده کمک‌های جمعیت‌های ملی در پی بروز بلایای طبیعی بزرگ می‌باشد.

- در سایر وضعیتهای که نیاز به مداخله یک نهاد بین‌المللی باشد این کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که رهبری کلی فعالیتهای صلیب سرخ را عهده‌دار می‌شود.

اتحادیه و تحت هدایت و رهبری آن جمعیت های داخلی بیشتر در قلمرو پناهندگان، اشخاص جابجا شده اجباری و زخمیان منتقل شده به پشت جبهه در مخاصمات مسلحانه فعالیت می کنند. پرسنل اتحادیه را حدود ۱۹۰ نفر با ۴۰ تابعیت متفاوت تشکیل می دهد.^{۸۴}

ب: سازمانهای غیردولتی بشردوستانه بدون مرز

منشأ نهضت «بدون مرز» به دوران جنگ بیافرا در آفریقا یعنی به دهه شصت باز می گردد. در سال ۱۹۶۸ یک گروه از پزشکان جوان فرانسوی برای پاسخ به دعوت کمیته بین المللی صلیب سرخ جهت مراقبت از زخمیان به بیافرا رفتند. آنان با دیدن وقایع وحشتناک ناشی از قتل عامها و گرسنگی های تحمیلی به وسیله ارتش نیجریه تصمیم گرفتند که نهضت «بدون مرز» را ایجاد کنند. آنان با ایجاد یک نهاد مستقل از کمیته بین المللی صلیب سرخ در واقع می خواستند ضمن کمک رسانی «قانون سکوت» تحمیلی کمیته بین المللی صلیب سرخ را نیز ملغی نموده و دست به افشاگری بر ضد دولتهای ستمگر بزنند. بنابراین نهضت «بدون مرز» در قالب کمک های پزشکی آغاز و سپس به قلمروهای دیگر نیز تسری یافت. به همین دلیل هم در اینجا ابتدا «سازمان پزشکان بدون مرز» مورد مطالعه قرار می گیرد و سپس اشاره ای به برخی سازمانهای «بدون مرز» دیگر خواهد شد.

84. Beigbeder yves, op. cit. pp. 74-75.

۱- سازمان پزشکان بدون مرز^{۸۵}

سازمان «پزشکان بدون مرز» در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱ براساس قانون اول ژوویه ۱۹۰۱ فرانسه در آن کشور تأسیس شد و از ابتدای دهه هشتاد در سایر کشورهای اروپایی مانند بلژیک (۱۹۸۰)، سوئیس (۱۹۸۱)، هلند (۱۹۸۴)، لوکزامبورگ (۱۹۸۵)، اسپانیا (۱۹۸۶) انجمن‌های ملی پزشکان بدون مرز ایجاد و مشغول فعالیت شده‌اند.

هدف این سازمان جمع نمودن بدون تبعیض و غیرانحصاری کلیه پزشکان و اشخاص ذیصلاح برای مقاصد زیر می‌باشد:

- کمک به قربانیان بلایای طبیعی، حوادث جمعی و یا وضعیتهای جنگی،

- کمک به بهبود صلاحیتهای پزشکی و عملی محلی در هر نقطه‌ای از جهان که امکانپذیر باشد،

- بسیج امکانات کمک رسانی مؤثر به مردم نیازمند در کوتاهترین زمان،

- آگاه نمودن و جلب افکار عمومی، کمک کنندگان و نهادهای مختلف کمک کننده و حامی سازمان در مورد وضعیتهای نابسامانی که نیاز به کمک پزشکی است،

85. Medecins Sans Frontières. (M.S.F).

- جستجو و کسب کلیه کمک‌های داخلی و بین‌المللی عاری از هرگونه آرایش برای امکان دادن به اعضای خود در انجام وظایفشان در نقاطی از جهان که اعلام نیاز به کمک آنها می‌شود.^{۸۶}
- این اهداف با منشوری که طبق بند ۳ اساسنامه ضمیمه آن می‌باشد تکمیل می‌گردد. براساس این منشور:
- کمک به قربانیان و نیازمندان باید بدون تبعیض نژادی، سیاسی، مذهبی، یا عقیدتی ارائه شود،
- اعضا در انجام وظایفشان باید بیطرفی و استقلال کامل خود را حفظ کرده و حق دخالت در امور داخلی دولت‌ها، حکومتها و یا محل‌هایی که مشغول انجام وظیفه‌اند ندارند،
- آنان در انجام وظایف پزشکی خود خواهان آزادی کامل هستند،
- اعضا در انجام وظایف خود تحت تأثیر هیچ قدرتی، هیچ نیروی سیاسی اعم از ایدئولوژیکی یا مذهبی قرار نخواهند گرفت،
- اعضا در انجام وظایف خود اسرار پزشکی را حفظ و از اظهار نظر علنی له یا علیه حوادث یا نیروهای درگیر که کمک آنها را پذیرفته‌اند خودداری می‌کنند،
- اعضا در انجام وظایف خود باید ناشناخته مانده و خواهان هیچگونه جلب رضایت شخصی یا جمعی نباشند. آنان با آگاهی به میزان خطرات،

۸۶. ماده یک اساسنامه سازمان پزشکان بدون مرز تحت عنوان

"Dénomination, objet, siège, durée, moyens d'actions" voir statuts adoptés en Assemblée nationale extraordinaire du 28 mars 1997.

مأموریتها را انجام می دهند و حق هیچگونه ادعا برای خود یا ذوالحقوق خود را ندارند، مگر آنچه را که سازمان برای دادن به آنان در امکان دارد.

همانطور که ملاحظه می شود محور اصلی کار سازمان پزشکان بدون مرز رساندن کمک های پزشکی در وضعیتهای بحرانی ناشی از بلایای طبیعی است. این سازمان به دلیل خصوصی بودن و نداشتن بوروکراسی عریض و طویل و دارا بودن تجارب غنی توانسته و می تواند خیلی سریعتر از نهادهای دولتها یا بین الدولی در امر کمک رسانی عمل کند.

این سازمان یک «واحد مداخله سریع» در سازمان پزشکان بدون مرز واقع در بلژیک ایجاد کرده است که می تواند در هر لحظه پاسخگوی وضعیت های اضطراری باشد.

در سال ۱۹۹۰ سازمان پزشکان بدون مرز فرانسه در ۲۹ کشور فعالیت داشته است و در ۷ کشور به وضعیت های اضطراری و فوری کمک نموده است. پرسنل این سازمان از ۲۰۰ نفر تشکیل شده است. بودجه سازمان پزشکان بدون مرز فرانسه در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۲۱۰ میلیون فرانک بوده است که ۸۰٪ آن صرف عملیات این سازمان شده است.^{۸۷}

87. Beigberder, yves, op. cit, pp. 76 – 81 « Ressources publiques et privées en France » in le monde, 3 février 2001.

سازمان پزشکان بدون مرز که از سال ۱۹۹۵ در ایران مشغول فعالیت می باشد، با همکاری این کشور به ۵۰۰۰۰ نفر از پناهندگان افغانی، که در اطراف مشهد مستقر هستند کمک های پزشکی می رساند. در عین حال از سال ۱۹۹۹ با موافقت ایران به کمک زلزله زدگان ایرانی نیز شتافته است. برای مطالعه رجوع

شود به: <http://www. Paris. msf. org>

۲- سایر سازمانهای بدون مرز

در پی ایجاد سازمان پزشکان بدون مرز سازمانهای غیردولتی دیگری نیز با پسوند «بدون مرز» هم در قلمرو پزشکی و هم در سایر قلمروها ایجاد شده‌اند که از آنجمله می‌توان از «سازمان داروسازان بدون مرز»، «سازمان خبرنگاران بدون مرز»، «سازمان گزارشگران بدون مرز»، «سازمان ارتباطات بدون مرز»، «سازمان حقوقدانان بدون مرز» و «سازمان وکلای بدون مرز» نام برد. باتوجه به اینکه این مقاله حقوقی است بهتر است اشاره‌ای به دو سازمان اخیر شود.

۲-۱- سازمان حقوقدانان بدون مرز

«سازمان حقوقدانان بدون مرز» در سال ۱۹۹۲ در فرانسه برای دفاع از حقوق بنیادین بشر و دموکراسی ایجاد شده‌است. این سازمان با الهام از ماده یک^{۸۸} اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ دو هدف را دنبال می‌کند که عبارتند از:

- دفاع، تشویق و ترغیب حقوق بشر، آزادیهای فردی و جمعی با استناد به اسناد بین‌المللی در قلمرو حمایت از حقوق بشر،
- ایجاد امکان برای حقوقدانان جهت ارائه دانسته‌ها و تجارب خود برای تحقق آرمان مندرج در فوق از طرق مناسب بخصوص در چارچوب

۸۸. ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می‌دارد «تمام افراد بشر آزاد بدنیا می‌آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با هم برابرند. آنان همگی از عقل و وجدان برخوردار هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

Dupuy Pierre – Marie "Grands textes de droit international public" Dalloz, Paris, 1996, p. 131.

تحقیق، کارشناسی، دفاع و ارائه پیشنهادها به مقاماتی که امکان پی‌گیری و اجرای آنها را دارند.

آنچه مهم می‌نماید آن است که سازمان حقوقدانان بدون مرز تلاش می‌کند که اجرای حقوق افراد را تسهیل کند.

اصلی‌ترین فعالیتهای این سازمان آموزش حقوق و ارائه خدمات کارشناسی حقوقی است. در مورد آموزش می‌توان از «آموزش حقوق در رواندا» و «روزآمد کردن آموزش حقوق بنیادین فرد» در دانشگاههای بلغارستان نام برد.

در مورد کارشناسی حقوقی هم باید گفت که سازمان حقوقدانان بدون مرز اولین نهادی است که توانسته چنین مقامی را در نزد دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق کسب نماید. این سازمان در چند ساله اخیر تحقیقات مفصلی را در مورد حقوق بنیادین انجام و برای استفاده در عدالت کیفری بین‌المللی ارائه نموده‌است. همچنین از اعضای این سازمان بعنوان کارشناس شورای اروپا در چارچوب توسعه «دولت قانونمدار دموکراتیک» بخصوص در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی استفاده شده‌است.

دانشگاهها و انجمن‌های مختلف از این سازمان بعنوان کارشناس در سازماندهی کنفرانسها و سمینارهای خود در قلمروهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه و عدالت کیفری بین‌المللی استفاده می‌کنند.

چشم انداز این سازمان در حال حاضر تنوریزه کردن حقوق بشر بطور عام و حقوق بین الملل کیفری بطور خاص می باشد.^{۸۹}

۲-۲- سازمان وکلای بدون مرز

این سازمان در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ توسط وکلای کانونهای گردآمده در بروکسل (بلژیک) ایجاد شده است.

هدف اصلی این سازمان مشارکت در احترام و اجرای کامل یکی از حقوق بنیادین بشر یعنی «حق بر دفاع» می باشد.

برای این سازمان دیگر صرف اعلام نقض حقوق بشر در این قلمرو کافی نیست بلکه «حق بر دادرسی منصفانه و کمک به یک دفاع آزاد و مستقل» امری حیاتی است. استفاده از این حق باید در کلیه قلمروها بخصوص در قلمرو کیفری چه برای متهم و چه برای بزه دیده بطور کامل تضمین گردد.

سازمان وکلای بدون مرز معتقد است که می تواند و مکلف هم هست که مراقب اجرای کامل «حق بر دفاع» باشد.

با توجه به اینکه در جهان امروز هنوز کشورهایی وجود دارند که در آنها متهمان یا قربانیان نمی توانند از یک وکیل آزاد و مستقل برخوردار باشند لذا سازمان وکلای بدون مرز می تواند برای حمایت از «حق بر دفاع» مداخله کند.

89. «Présentation des Juristes sans Frontières», (J.S.F) pp. 1-4

<http://www.Juristessansfrontieres.org>

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

سازمان و کلای بدون مرز در ابتدا فعالیت خود را فقط به مأموریت‌های فردی اختصاص می‌داد، بدین معنا که این فعالیت با اعزام و کیل برای کمک به وکلای محلی برای دفاع و یا عهده‌دار شدن دفاع از فرد در مقابل دستگاه دادگستری انجام می‌شد اما این کمک با مشکلات زیادی روبرو گردید، بخصوص در مواردی که باید فوری اقدام می‌شد مقامات قضایی و اداری محلی چندان همکاری نمی‌کردند، در ضمن دسترسی به محاکم داخلی برای دفاع یک حق شناخته و پذیرفته شده جهانی محسوب نمی‌شد.

سازمان وکلای بدون مرز به‌رحال توانسته است به کمک اعضای خود مأموریت‌های مختلفی را انجام دهد. این سازمان در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در پی فاجعه نسل‌کشی در روآندا توانست تجربه دیگری را در وضعیت‌های ناشی از خلأ کامل قدرت، کسب نماید. این سازمان با استفاده از این تجربه طرح «عدالت برای همه در روآندا» را ارائه نمود؛ که طبق آن یک گروه از وکلا بطور دائمی در روآندا مستقر و در مورد پرونده‌های مربوط به نسل‌کشی مطروحه در محاکم داخلی آن کشور چه در قالب دفاع از متهمان و چه برای دفاع از قربانیان شرکت نمودند.

طرح دیگری از همین نوع برای برون‌دی (دیگر کشور آفریقایی همسایه روآندا) در حال اجرا است؛ و در ضمن طرح‌هایی هم برای آسیا و آمریکای جنوبی نیز در دست مطالعه هستند.

علاوه بر اعزام و کیل، سازمان وکلای بدون مرز از این امر آگاه است که یکی دیگر از طرق حمایت از «حق بر دفاع» آموزش حرفه‌ای

وکلاهی محلی است؛ به همین منظور در سالهای ۱۹۹۵، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ در آروشای تانزانیا (محل دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا) سه دوره سمینار، هر کدام به مدت دو یا سه هفته، برای آموزش وکلای آفریقایی و وکلای سایر مناطق بخصوص برای آشنایی با آیین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و حقوق بین‌الملل کیفری تشکیل شدند.

سازمان وکلای بدون مرز بعنوان کارشناس در کنفرانس‌های مختلف شرکت می‌کند که از آن جمله کنفرانس رم برای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی بود که ضمن شرکت در آن، فعالانه از «حق بر دفاع» حمایت نمود.

این سازمان در حال حاضر در کشورهای فرانسه، دانمارک، هلند، سوئد، سوییس، ایتالیا، انگلستان، الجزایر مشغول فعالیت می‌باشد. کلیه این سازمانهای غیردولتی وکلای بدون مرز در یک انجمن بین‌المللی تحت عنوان «وکلاهی بدون مرز جهانی» گرد آمده‌اند که هدفش تضمین رعایت مبانی فلسفی وکلای بدون مرز و نیل به اهداف اصلی این نهضت است.^{۹۰}

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی بشردوستانه

نیازهای بشردوستانه بسیار گسترده است و هر روز نیز گسترده‌تر می‌شوند. در این میان مشارکت سازمانهای غیردولتی بشردوستانه بسیار مفید است اگرچه گاهی عملکرد آنها از سوی دولتها مورد اعتراض واقع می‌شود،

90. Présentation des Avocats Sans Frontières (A.S.F) pp. 1-2.

<http://www.asf.be/frans/welcome.htm>

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

اما همیشه از سوی قربانیان مثبت تلقی می‌شود و این فارغ از نوع آن سازمان غیردولتی است اعم از اینکه مذهبی، عقیدتی، فلسفی، سیاسی و غیره باشد.

تنوع این سازمانها ضمن اینکه یک عامل مثبت است می‌تواند منبع رقابت ناصحیح از جمله متهم کردن یکدیگر باشد. طبیعی است که این وضعیت نمی‌تواند کمکی به رفع آلام بشری نماید. آنچه مهم می‌نماید این است که سازمانهای غیردولتی بشردوستانه اعم از مذهبی، لاییک، سازمانهای بدون مرز و سایر سازمانهای دیگر نقش مهم، مفید و فعالی در رساندن کمک‌های بشردوستانه ایفا می‌کنند و این علیرغم اعتقادات یا اصول بنیادینی است که مبنای فعالیت آنها می‌باشند.

معهدا در عمل سازمانهای غیردولتی بشردوستانه فاقد یک مدیریت و یک هماهنگی بین‌المللی هستند. به همین دلیل به سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی و سازمانهای غیردولتی باید در مورد ارزیابی نیازها، تعیین اولویت‌ها در عملیات کمک‌رسانی و تقسیم وظایف و مسؤولیتها براساس صلاحیتها به تفاهم برسند تا از تلف شدن پول، اموال و نیروی انسانی جلوگیری نمایند.

فصل دوم

عملکرد سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

در قلمرو عملکرد سازمانهای غیردولتی حقوق بشری همانند مورد قبل ابتدا مبانی عملکرد و سپس فعالیت آنها و سرانجام مشکلات این سازمانها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

اولین حرکتهای جهانی در زمینه شناخت حقوق بشر موضوعه به دوران پس از جنگ اول جهانی و به میثاق جامعه ملل باز می‌گردد. براساس میثاق جامعه ملل دولتهای امضا کننده متعهد می‌شوند که شرایط کار عادلانه و بشری را برای مردان، زنان و کودکان فراهم نمایند و با مردم بومی و تحت سلطه خود رفتاری مبتنی بر عدالت داشته باشند.^{۹۱} پس از آن نیز تعدادی سند بین‌المللی در قلمرو اقلیتهای زبانی، نژادی و قومی تدوین و منعقد گردیدند، بعلاوه سازمان بین‌المللی کار نیز با هدف ایجاد عدالت اجتماعی در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد. معهدا اغلب این اسناد گستره جهانی

۹۱. رجوع شود به مواد ۲۲ و ۲۳ میثاق جامعه ملل. برای متن میثاق جامعه ملل رجوع شود به

- زند فرد، فریدون، «ایران و جامعه ملل» انتشارات شیرازی، تهران، ۱۳۷۷، صفحات ۲۹۷-۲۵۹

- اف. بی. والتز «تاریخ جامعه ملل» ترجمه زند فرد، فریدون، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۲، صفحات ۵۵۶-۵۴۷.

- کلییار کلود - آلبر، «سازمانهای بین‌المللی»، ترجمه فلسفی، هدایت الله، منبع قبل، صفحات ۷۲۲-۷۰۳.

نداشته و یا فقط برخی از حقوق بشر را لحاظ نموده بودند، ضمن آنکه فاقد مکانیسم بین المللی مؤثر و کارآ برای کنترل و حمایت خود نیز بودند.

در کنفرانس سان فرانسیسکو در مورد تشکیل سازمان ملل متحد حدود ۴۰ گروه بعنوان نمایندگان کلیساهای، سندیکاها و سازمانهای غیردولتی شرکت کرده و در کنار دولتهای طرفدار حقوق بشر آنقدر فشار وارد کردند تا سرانجام منشور ملل متحد ملزم به پذیرش حقوق بشر نه فقط در پیشگفتار بلکه در برخی از مواد خود نیز شد.^{۹۲}

در همین راستا اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به عنوان «آرمانی مشترک برای تمام ملل عالم» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

در این اعلامیه بطور عمده دو دسته حقوق پیش بینی شده اند.

حقوق مدنی و سیاسی: که مهمترین آنها حق حیات، آزادی، امنیت شخصی، امکان دستیابی به محاکم قضایی، آزادی اندیشه و وجدان و مذهب، آزادی عقیده و بیان و آزادی تجمعات و انجمن ها می باشند.

این اعلامیه همچنین هرگونه تبعیضی میان انسانها بخصوص از لحاظ نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، وضعیت ملی، اجتماعی، مالی یا سایر وضعیتهای دیگر را منع و به بردگی گرفتن و شکنجه را ممنوع نموده است.

۹۲. رجوع شود به پیشگفتار و مواد ۸، ۱۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۸، ۷۶ منشور ملل متحد.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ که مهمترین آنها حق مالکیت، حق کار و حق دستمزد برابر در مقابل کار برابر، حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی، حق شرکت در اداره امور عمومی، حق داشتن زندگی سالم، حق بهداشت، حق آموزش و پرورش، حق برخورداری از حمایت از حقوق مالکیت معنوی هستند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ سرانجام منجر به تصویب دو سند بین‌المللی الزام‌آور تحت عناوین «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» در سال ۱۹۶۶ شد. میثاق اخیر نیز دارای دو پروتکل اختیاری است که اولی در مورد پذیرش صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و بررسی شکایات افراد و دیگری در مورد لغو مجازات اعدام می‌باشد. مجموعه این پنج سند یعنی اعلامیه ۱۹۴۸، میثاقهای ۱۹۶۶ و پروتکل‌های منضم به میثاق حقوق مدنی و سیاسی، منشور بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.^{۹۳} این منشور در واقع الهام بخش حدود ۶۰ کنوانسیون یا اعلامیه بین‌المللی مصوب در سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق بشر می‌باشند.^{۹۴} بر این مجموعه باید اسناد منطقه‌ای از جمله کنوانسیون حقوق بشر اروپایی ۱۹۵۰، کنوانسیون حقوق بشر آمریکایی ۱۹۶۹، کنوانسیون

93. Droit de l'homme "La charte internationale des droits de l'homme, Fiche d'information No 2 (Rev. 1), édition, Les Nations unies, Genève. 1999. 71 pages .

۹۴. برای اسناد منتشره در چارچوب سازمان ملل متحد رجوع شود به Droit de l'homme "Recueil d'instruments internationaux", vol 1 et vol 2, Nation Unies, New York et Genève, 1994, 967, pages.

حقوق بشر و مردم آفریقایی ۱۹۸۱ را نیز اضافه نمود. در حال حاضر می‌توان از تهیه پیش‌نویس منشورهای حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و همچنین آسیایی حقوق بشر نیز یاد نمود.

احترام، رعایت و اجرای قواعد حقوق بشر بر سه پایه اصلی استوار است:

- دولتها: دولتها نقش بنیادین در حفظ حقوق اتباع خود دارند که آن را از طریق وضع قوانین و ایجاد نهادهای قضایی و اداری و کنترلی بر روی عملکرد مقامات اجرایی و پلیس اعمال می‌کنند.

تا قبل از جنگ دوم جهانی رفتار دولتها با اتباع خود در اختیار هر دولت و جزو قلمرو خاص و امور داخلی آن محسوب می‌شد. پس از جنگ دوم امضاء هر سند الزام‌آور بین‌المللی در قلمرو حقوق بشر بمنزله پذیرش اجرای قواعد مندرج در آن سند و قبول مکانیسم نظارتی آن از سوی هر دولت محسوب می‌شود. بدین ترتیب فرد رفته‌رفته در جهت تبدیل شدن به تابع حقوق بین‌الملل، که تابحال فقط خاص دولتها و سازمانهای بین‌المللی بود، گام برداشته است.

- سازمانهای بین‌الدولی: دومین پایه حمایت و ترغیب و اجرای حقوق بشر سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی یا شوراها، کمیته‌ها و یا کمیسیونهای آنها می‌باشند که برای حمایت از حقوق بشر در سطح جهانی یا منطقه‌ای ایجاد شده‌اند. سازمانهای بین‌الدولی نه فقط نظارت بر اجرای حقوق بشر می‌کنند بلکه مجازات نقض آنها را نیز برعهده دارند.

- سازمانهای غیردولتی: سومین پایه در این میان سازمانهای غیردولتی داخلی و بین‌المللی متخصص در قلمرو حمایت و ترغیب حقوق بشر هستند. باید گفت که قدیمیترین سازمانهای غیردولتی نیز در این قلمرو می‌باشند از جمله انجمن دوستان^{۹۵} که در سال ۱۶۲۴ ایجاد شده‌است. این سازمان در واقع ریشه مذهبی داشته و یک شاخه از کلیسای کاتولیک می‌باشد.

در همین قلمرو (قلمرو حقوق بشر) سازمانهای غیردولتی لاییک نیز دارای قدمت زیادی هستند از آن جمله انجمن ضد بردگی است که در سال ۱۸۳۹ ایجاد شده‌است.

از بعد از جنگ جهانی اول و بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم سازمانهای غیردولتی زیادی در قلمرو حقوق بشر ایجاد و مشغول فعالیت شده‌اند، که در میان آنها می‌توان از سازمان عفو بین‌الملل، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان و سازمان دفاع از کودکان جهان نام برد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طبق نظر برخی از حقوقدانان نقش سازمانهای غیردولتی حقوق بشری را می‌توان در سه محور خلاصه کرد:

- آنها معرف رابطه میان انسانها و نهادهای سیاسی هستند. این سازمانها افکار عمومی جهان را در قلمرو حقوق بشر شکل می‌دهند و

می‌توانند از سوءاستفاده‌ها، کمبودها، نقض‌ها و ... حقوق بشر خبر دهند و در مقام اطلاع رسانی همتایی ندارند.

- این سازمانها نقش مهمی در تعلیم و تربیت شهروندان در قلمرو حقوق بشر دارند. آنها در واقع ابزاری برای شناساندن و احترام گذاشتن به حقوق بشر به حساب می‌آیند.

- این سازمانها در واقع نهادهایی هستند که مؤسسات و نهادهای رسمی و عمومی را وادار به فعالیت در قلمرو حقوق بشر می‌کنند.^{۹۶}

سازمانهای غیردولتی در قلمرو حقوق بشر فعالیتهای متنوعی دارند که مهمترین محورهای آن بشرح زیر می‌باشند:

- نشر قواعد مندرج در کنوانسیونهای بین‌المللی مربوط به حقوق بشر،

- مشورت حقوقی با قربانیان نقض حقوق بشر یا نمایندگانشان و راهنمایی آنان جهت رجوع به مراجع ذیصلاح،

- پخش اخبار در مورد نقض حقوق بشر بسا اتکاء به تحقیقات و شهادتهای صحیح.

- نقش قاعده‌سازی در قلمرو حقوق بشر: برخی از سازمانهای غیردولتی نقش مهمی در پیشنهاد تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارند. معه‌ذا میزان تأثیر آنها در قاعده‌سازی در قلمرو حقوق بشر بستگی به صلاحیت، ترکیب و ساختار داخلی سازمانهای بین‌الدولی و کنفرانسهای بین‌المللی که این سازمانها در آنها پذیرفته می‌شوند دارد. برای

96. Voir intervention de Cassin René dans le cadre de la célébration de l'année internationale des droits de l'homme, cité par Beigbeder Yves. op. cit, pp. 92-93.

مثال نقش قاعده سازی سازمانهای غیردولتی در شورای اروپا نسبت به نقش آنها در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بسیار محدود است.

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

از آنجا که تعداد سازمانهای غیردولتی حقوق بشری بسیار زیاد است در این میان فقط اشاره‌ای به سه سازمان از مهمترین سازمانهای غیردولتی حقوق بشری می‌شود.

الف: سازمان عفو بین‌الملل (Amnesty International)

سازمان عفو بین‌الملل از مهمترین و معروفترین سازمانهای غیردولتی حقوق بشری است. منشأ این سازمان به واقعه‌ای باز می‌گردد که در سال ۱۹۶۰ اتفاق افتاد. جریان از این قرار بود که در پی محکومیت دو دانشجوی پرتغالی به هفت سال زندان به اتهام تلاش برای آزادی در کشورشان یک وکیل انگلیسی بنام پیتر بن سون (Peter Benenson) به سفارت پرتغال مراجعه و اعتراض نمود. اما این عمل فردی مؤثر واقع نشد، به همین دلیل او در مطبوعات جهان دعوتی عام برای حمایت از زندانیان عقیدتی نمود که با استقبال هزاران نفر از سراسر عالم روبرو شد. همین امر سبب شد که وی در سال ۱۹۶۱ انجمنی بنام «انجمن درخواست عفو» ایجاد نماید که بعد تبدیل به «عفو بین‌الملل» گردید.

این سازمان از زمان تأسیس دائماً در حال گسترش بوده‌است و در دهه نود بیش از ۱،۱۰۰،۰۰۰ نفر عضو و کمک کننده از ۱۵۰ کشور داشته است که به آن باید بیش از ۶۰۰ گروه محلی از بیش از ۷۰ کشور جهان را نیز اضافه نمود.^{۹۷}

مبانی تئوریکی عملکرد سازمان عفو بین‌الملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات بین‌المللی در این قلمرو است. این سازمان در ابتدا عملکرد خود را محدود به دفاع از زندانیان می‌نمود که به دلیل اجرای حقوق مدنی و سیاسی خود یا دفاع از آن حقوق یا امحاء شکنجه و لغو مجازات اعدام از آزادی محروم شده بودند. سازمان عفو بین‌الملل، با تکیه بر کنوانسیونهای پذیرفته شده از سوی دولتها، تعهدات آنها را گوشزد کرده و نقض آن تعهدات را افشا می‌کرد. اما وظیفه این سازمان در سال ۱۹۹۱ در جریان شورای بین‌المللی خود در یوکوهاما، تغییر یافت. براساس سند یوکوهاما:

«عفو بین‌الملل یک نهضت داوطلبانه جهانی است که تلاش می‌کند که از برخی از شدیدترین موارد نقض حقوق بنیادین بشر توسط دولتها جلوگیری کند. محورهای اصلی فعالیت آن عبارتند از:

– آزاد نمودن کلیه زندانیان سیاسی

– تضمین یک دادرسی عادلانه و سریع برای زندانیان سیاسی

97. Beigbeder yves, op. cit, p. 101.

– لغو مجازات اعدام، شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه بر ضد

زندانیان

– پایان بخشیدن به اعدام‌های فوری و غیرقضایی و ناپدید شدن

اجباری افراد

– مخالفت با افراط کاری از سوی گروه‌های مخالف مانند

گروگانگیری، شکنجه، قتل زندانیان و سایر قتل‌های خودسرانه

– حفظ بی طرفی و استقلال در مقابل دولتها

– عدم وابستگی به عقیده سیاسی یا مذهبی خاص».

مجموعه این اصول به سازمان عفو بین الملل امکان می‌دهد که بدون

حمایت از یا مخالفت با دولت یا نظام سیاسی بدون حمایت از یا مخالفت با

اعتقادات قربانیان فقط تلاش کند از حقوق بشر در هر مورد حمایت کند.

سازمان عفو بین الملل معمولاً به دو شکل عمل می‌کند:

– فعالیت به نفع قربانیان بصورت فردی

– فعالیت در وضعیت نقض سازمان یافته حقوق بشر در یک مورد

خاص

در این حالت اول سازمان به محض تشخیص اینکه ممکن است

فردی زندانی عقیدتی باشد پرونده‌اش را به یک گروه کاری برای بررسی و

پذیرش آن بعنوان زندانی عقیدتی می‌سپارد. برای حفظ بی طرفی سازمان،

افراد گروه‌های کاری همیشه کارشان را در مورد زندانیانی غیر از زندانیان

موجود در کشور متبوع خود انجام می‌دهند.

اعضای گروه، برای کمک به زندانیان مطالب را کتباً، به دولتها، مقامات محلی یا مقامات زندان مربوط و همچنین به هر شخصی که امکان مداخله دارد منعکس می‌کنند. در ضمن نقش رابط فیما بین زندانیان و خانواده‌هایشان را نیز به عهده می‌گیرند.

این فعالیت در بسیاری موارد مؤثر واقع شده‌است؛ برای مثال در سال ۱۹۹۰ از ۴۵۰۰ نفر زندانی پذیرفته شده بعنوان «زندانی عقیدتی»، ۱۶۰۹ نفر آزاد شدند.

سازمان در کمک به قربانیان بصورت فردی از ۲۱ شبکه عملیاتی منطقه‌ای خود استفاده می‌نماید.

در حالت دوم که نقض سازمان یافته حقوق بشر در یک مورد خاص در کشوری اتفاق می‌افتد عضو بین‌الملل شروع به جلب توجه افکار عمومی جهان در مورد آن کشور می‌کند؛ در ضمن از نهادهای سازمان ملل متحد می‌خواهد که نسبت به آن کشور موضع اتخاذ کرده و بر مقامات آن فشار وارد نمایند. در این مورد می‌توان از عملکرد سازمان عضو بین‌الملل در دهه نود در مورد کشورهای برزیل، چین، کره جنوبی، میانمار، سریلانکا، سودان و چاد نام برد؛ که در این میان درگیری سازمان عضو بین‌الملل با چین، بعنوان عضو دائم شورای امنیت، جلب توجه می‌کند به ویژه این درگیری پس از قیام جوانان چینی برای دموکراسی شدت بیشتری یافت.

علاوه بر این سازمان عضو بین‌الملل با بسیاری از سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی اعم از جهانی مثل سازمان ملل متحد و منطقه‌ای مثل شورای اروپا

همکاری دارد. سازمان عفو بین‌الملل در این سازمانها امکان ارائه اطلاعات و ارائه اعلامیه‌های کتبی و شفاهی در جریان اجلاسهای آنها را دارد. بیش از نیمی از گزارشهای واصله از سوی سازمانهای غیردولتی حقوق‌بشری به نهادهای مختلف حقوق بشری ملل متحد از سوی سازمان عفو بین‌الملل ارائه شده‌است. در این میان همکاری عفو بین‌الملل با گروه کاری ملل متحد در مورد ناپدید شدن اجباری و غیرارادی افراد جلب توجه می‌کند. براساس مطالعه‌ای که سازمان عفو بین‌الملل در اواسط دهه نود انجام داده‌است در طی ۲۵ سال گذشته بیش از یک میلیون نفر قربانی ناپدید شدن اجباری یا اعدام‌های خودسرانه غیرحقوقی شده‌اند.^{۹۸}

سازمان عفو بین‌الملل در ضمن نقش مهمی هم در قاعده‌سازی دارد که نمونه بارز آن در ترغیب و تدوین کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه است. بودجه سازمان عفو بین‌الملل از طریق حق عضویت اعضا و طرفداران آن از سراسر جهان تأمین می‌شود. عفو بین‌الملل حق ندارد نه منابع مالی دولتی را درخواست و نه بپذیرد. در مقرّ این سازمان در لندن حدود ۲۷۰ نفر با تابعیت بیش از ۴۰ کشور جهان مشغول فعالیت می‌باشند.^{۹۹}

98. Amnesty International "Disappearances and political killings" Amsterdam, 1994, p. 13.

99. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

- Annual reports, Amnesty International, 1999 and 2000

- Rodley Nigel "Le rôle d'une O.N.G comme Amnesty International au sein des organisations intergouvernementales in « Les O.N.G et le droit international » op. cit, pp. 127 - 153.

ب: فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۲۲ به ابتکار جامعه فرانسوی حقوق بشر در ارتباط با سازمان پاسیفیسم آلمان بنام «یوندنوز فاترلند» (Bund Neues Vaterland) ایجاد شد. در حال حاضر ۴۵ جمعیت یا سازمان ملی در اروپا شعب فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند؛ در حالیکه در آفریقای سیاه فقط سه شعبه (آفریقای جنوبی، سنگال، مالی) وجود داشت که این تعداد در حال حاضر به ۲۰ شعبه رسیده‌است.

هدف فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر گسترش و ترغیب حقوق بشر، مبارزه با نقض و درخواست رعایت و احترام به آنها در سراسر جهان است. این فدراسیون از ۱۹۲۴ اعلام می‌کرد که به حقوق مدنی و سیاسی مندرج در اعلامیه‌های آمریکایی ۱۷۷۶ و فرانسوی ۱۷۸۹ باید حقوق اقتصادی و اجتماعی اضافه شوند. این سازمان در ۱۹۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر را پیشنهاد نمود.

این سازمان از ۱۹۴۸ مهمترین هدف خود را اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ملل متحد قرار داده‌است.

این فدراسیون در واقع متشکل از جوامع، کمیسیونها و انجمن‌های ملی دفاع از حقوق بشر است، بنابراین هر سازمان غیردولتی حقوق بشری که متقاضی عضویت در آن باشد باید اصول مندرج در اعلامیه ۱۹۴۸ را پذیرفته و مأموریت خود را اجرا و مراقبت از اجرای این اعلامیه قرار دهد.

فدراسیون بوسیله هیأت ریسه خود فعالیت سازمانهای ملی عضو را هماهنگ می‌کند. فدراسیون کلیه اطلاعات دریافتی از اعضا را در قالب گزارشی به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارائه می‌نماید. فدراسیون علاوه بر همکاری با سازمانهای بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای یک فعالیت خاص خود هم دارد که همانا نظارت بر اجرای حقوق بشر در سطح بین‌المللی است. فدراسیون این فعالیت را با اعزام هیأت‌های تحقیق به کلیه کشورهایی که در مظان نقض حقوق بشر و آزادیهای بنیادین هستند انجام می‌دهد. فدراسیون در عین حال فعالیت نظارتی خود با اعزام هیأت‌های ناظر به مناسبت پرونده‌ای خاص یا برگزاری انتخابات نیز انجام می‌دهد. سپس این سازمان با توجه به نتایج این مأموریتها به مداخله در نزد دولتها و سازمانهای بین‌الدولی پرداخته و تلاش می‌کند با فشار خود به نقض حقوق بشر پایان داده و افرادی را که بنا حق زندانی هستند آزاد نماید. فدراسیون در فاصله ۱۵ سال بیش از ۶۰۰ مأموریت از این نوع را در ۹۰ کشور جهان انجام داده‌است.

بدین ترتیب این فدراسیون به دو وظیفه مهم خود که یکی هماهنگی میان فعالیت‌های سازمانهای غیردولتی حقوق بشری عضو و دیگری انجام مأموریت‌های مستقیم خود می‌باشد جامه عمل می‌پوشاند.^{۱۰۰}

۱۰۰. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

Laurin Yves "La contribution de la fédération internationale des droits de l'homme à l'application des normes relatives aux droits de l'homme" op. cit, pp. 159 - 167.

La présentation de la FIDH, pp. 1-2

htt p: www fidh. org

ج: کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان

کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان در سال ۱۹۵۲ در ژنو ایجاد شد. اعضای آن عموماً قضات، استادان حقوق، وکلا و اعضای جوامع و انجمنهای حقوقی می‌باشند. هدف اصلی این سازمان ترغیب و درک و نظارت بر اولویت دادن به حقوق در سراسر جهان است. بنظر سازمان حقوق:

«اصول، نهادها و آیین‌هایی است که بدون یکسان بودن همیشگی دارای شباهتهای فراوانی هستند. آنها، طبق تجربه و سنت حقوقدانان کشورهای مختلف جهان، ثابت نموده‌اند که برای حمایت از افراد در مقابل دولتهای استبدادی ضروری هستند و به آنان امکان می‌دهند تا از کرامت انسانی برخوردار شوند».

این سازمان از ۴۰ حقوقدان برجسته کشورهای مختلف که معرف سیستم‌های مختلف حقوقی هستند تشکیل شده‌است و دبیرخانه آن در ژنو قرار دارد. بخش‌های ملی این سازمان در بیش از ۵۰ کشور جهان وجود دارند که ضمن ارسال اطلاعات در زمینه توسعه حقوق در کشور خود به دبیرخانه، کارهای تحقیقاتی، برگزاری ملاقاتها، دوره‌های آموزشی و کنفرانسها را نیز انجام می‌دهند. آنها در برخی از کشورها حتی ابتکار اصلاحات سیستم حقوقی را به عهده داشته‌اند.

کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان همانند فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، هیأت‌های تحقیقاتی و ناظر حقوقی به کشورهای مختلف اعزام می‌کند. بعلاوه این سازمان نقش قاعده‌سازی نیز دارد و آن را با ارائه پیشنهادها و پیش‌نویس‌هایی در مورد اعلامیه‌ها یا کنوانسیونها انجام می‌دهد.

تا سال ۱۹۶۷ حدود ۹۷٪ بودجه این سازمان توسط «صندوق آمریکایی برای حقوقدانان آزاد» تأمین می‌شد که این صندوق همانند بسیاری از سازمانهای آمریکایی توسط سیا (CIA) تغذیه مالی می‌شد. بعد از آن دبیرکل سازمان اعلام کرد که منشأ این منابع مالی را نمی‌داند و دیگر این گونه کمک‌ها را نخواهد پذیرفت، کمک‌های سیا نیز قطع شد. قطع این کمک‌ها یک بحران مالی ایجاد کرد که سرانجام با کمک‌های دولتهای اروپایی و بنیادهای خصوصی این بحران حل گردید. بودجه این سازمان سالانه بیش از دو میلیون فرانک سوییس می‌باشد.^{۱۱}

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی حقوق بشری

اگر سازمانهای غیردولتی بشردوستانه فعالیتشان بطور عمده کمک رسانی و رفع نیازهای فوری است سازمانهای غیردولتی حقوق بشری اولویت اول در فعالیتشان کمک شخصی به افراد است.

۱۰۹. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

La présentation de la Commission Internationale des Juristes (CIJ)

[http:// www.iej.org](http://www.iej.org).

Beigbeder yves, op. cit pp. 121 – 127.

اگرچه سازمانهای غیردولتی بشردوستانه گاهی به علت سوءظن دولتها در انجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند اما سازمانهای غیردولتی حقوق بشری اغلب اوقات در فعالیتهایشان با مشکل مواجه هستند به این دلیل که مستقیم یا غیرمستقیم مسؤولیت دولتها به دلیل نقض حقوق بشر و اجتناب از پذیرش این مسؤولیت و جبران آن مطرح می‌شود. به عبارت دیگر کار سازمانهای غیردولتی حقوق بشری بمراتب دشوارتر از کار سازمانهای غیردولتی بشردوستانه است.

اهمیت سازمانهای غیردولتی حقوق بشری بقدری است که نهادهای بین‌الدولی حقوق بشری نمی‌توانند بدون همکاری آنها کار اساسی و مهمی انجام دهند، چونکه بدون سازمان غیردولتی حقوق بشری آنها مجبورند گزارش دولتها را، که همگی مدعی رعایت کامل حقوق بشر هستند، تصویب کنند.

پیشرفت، رعایت و احترام به حقوق بشر در کشورها بستگی به توسعه سیاسی آن کشورها و گسترش دموکراسی کثرت‌گرا دارد. فقط در صورت وجود آزادی است که می‌توان مانع از سوء استفاده‌ها و تجاوزات و تعارضات شد و آنها را مجازات کرد.

اگرچه دولت قانونمدار نمی‌تواند مانع کلیه اشکال نقض حقوق شود اما این امکان را فراهم می‌کند که موارد نقض آشکار شده و حتی المقدور جبران شوند. در این روند است که سازمانهای غیردولتی حقوق بشری نمی‌توانند از نظر سیاسی بی‌طرف بمانند. برخلاف اغلب سازمانهای

غیردولتی بشردوستانه که وضعیت دولتها را به هر شکلی که هست می‌پذیرند برای اینکه فعالیتهای خود را انجام دهند، سازمانهای غیردولتی حقوق بشری وضعیت موجود در کشورها را در موارد نقض حقوق بشر، نمی‌پذیرند.

آنها خواهان اصلاح دولتها بوده و رعایت قواعدی را از آنها می‌خواهند که آزادانه در قالب اسناد الزام‌آور پذیرفته‌اند.

برای اینکه دولتها مجبور شوند سرانجام از سازمانهای غیردولتی حقوق بشری تبعیت نمایند و یا حداقل به آنها و عقیده‌شان احترام بگذارند رعایت سه مطلب از سوی این سازمانها الزامی بنظر می‌رسد:

- تقویت کارآیی سازمان از طریق

* ارائه یک چهره مشخص و کارشناسی دقیق در قلمرو صلاحیت

خود

* ارائه اطلاعات مطمئن و دقیق در موارد نقض‌های اعلام شده

حقوق بشر

* معرفی نمایندگان و افراد شایسته یعنی رعایت اصل شایسته

سالاری

* معرف و بازنمای بخش مهمی از جامعه

* ارائه یک برنامه استراتژی دقیق

* دارا بودن یک تشکیلات داخلی مؤثر و کارآمد.

- ایجاد بهترین طرق دسترسی به کشورهای در مظان نقض حقوق بشر

- پذیرش دولتها بعنوان شرکای بالقوه خود.

سازمانهای غیردولتی حقوق بشری باید اشکال مختلف همکاری با دولتها را یافته و توسعه دهند. البته این کار چندان ساده‌ای نیست چونکه سازمانهای غیردولتی حقوق بشری از یک طرف باید نقض حقوق بشر از سوی دولتها را افشا کرده و آنها را مجبور به ختم آن کنند و از طرف دیگر باید در سازمانهای بین‌الدولی پشتیبانی دولتها را بدست آورند در غیر اینصورت حضور آنها در آن سازمانها اگر غیرممکن نشود حداقل بسیار مشکل خواهد شد.

فصل سوم

عملکرد سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

همانند دو گروه سازمانهای غیردولتی قبلی در این مورد هم ابتدا به مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه پرداخته و سپس فعالیت آنها و سرانجام مشکلاتشان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

I - مبانی عملکرد سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

می‌دانیم که بحث توسعه بطور عمده شامل کشورهای جنوب (کشورهای جهان سوم) می‌شود. اگرچه سازمان ملل متحد از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ سه دهه را به توسعه اختصاص داد، معهذاً بنظر می‌رسد که فقر و فاقه در کشورهای جهان سوم بیشتر شده باشد و تقریباً هیچ‌یک از حداقل‌های تعیین شده توسط سازمان ملل متحد در این سه دهه تحقق نیافته‌اند.^{۱۰۲}

در این سه دهه که بحث حقوق بین‌الملل توسعه مطرح بود هدف، از میان بردن شکاف اقتصادی میان شمال و جنوب بود. اما به دلایل مختلف از جمله به دلیل عدم وجود اسناد الزام‌آور در این قلمرو، جامعه بین‌المللی موفقیتی بدست نیاورد. در این سه دهه نه فقط جهان سوم از میان نرفت بلکه جهان چهارم^{۱۰۳} نیز متولد شد. اینگونه کشورها اغلب با مشکلاتی مانند جنگ داخلی و بین‌المللی، بلایای طبیعی، فرار مغزها و غیره نیز دست به گریبان می‌باشند.

رفته‌رفته و با تحولات اجتماعی، جامعه بین‌المللی موفق به کشف رابطه میان صلح و توسعه شده است به گونه‌ای که یکی بدون دیگری

۱۰۲. برای مثال در سالهای هشتاد کمک بخش عمومی به توسعه از نصف میزان پیش‌بینی شده توسط سازمان ملل متحد یعنی ۷٪ تولید ناخالص ملی کشورهای صنعتی تجاوز نکرد.

۱۰۳. جهان چهارم یا Quart Monde شامل کشورهای کمتر توسعه یافته مانند افغانستان، نپال، بوتان، چاد و ... می‌شود. علی‌رغم برگزاری دو کنفرانس در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته از سوی سازمان ملل متحد و اتخاذ تدابیری به نفع آن کشورها، وضعیت آنها نه فقط بهبود نیافته بلکه در برخی از آنها مانند افغانستان بدتر نیز شده است. البته در افغانستان وجود جنگ داخلی که از سال ۱۹۷۹ در آن کشور همچنان ادامه دارد نیز مزید بر علت شده است. قرار است سومین کنفرانس در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته با همکاری اتحادیه اروپا از ۲۰-۱۴ ماه می سال ۲۰۰۱ در بروکسل برگزار شود.

نمی تواند وجود داشته یا استمرار یابد. بقول ژان پل دوم «نام دیگر صلح توسعه می باشد».^{۱۰۴} از این پس بود که الزامی بودن توسعه و شناخت آن بعنوان یک حق بشری مطرح گردید.

مهمترین قدم در این راه را مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ۴۱/۱۲۸ در ۴ دسامبر ۱۹۸۶ تحت عنوان «اعلامیه حق بر توسعه»^{۱۰۵} برداشت. حق بر توسعه برخلاف «حق توسعه» یکی از حقوق بشر است و می دانیم که امروز آن را جزو نسل سوم حقوق بشر که مبتنی بر همبستگی بین المللی است محسوب می کنند.^{۱۰۶}

برای مبارزه با توسعه نیافتگی، که یکی از مهمترین چالشهای فراوری جامعه جهانی است، نه فقط دولتها نقش مهمی دارند بلکه شهروندان بعنوان نمایندگان فعال در قلمرو توسعه خود مطرح می باشند. تجلی

104. Le lettre encyclique du pape jean - paul II, 1991 cité par Beigbeder yves, op. cit, pp. 154 - 155.

105. Bdjaoui mohammed "Le droit au développement" in « Droit international : Bilan et perspective », Tome 2, A. Pedone et UNESCO, Paris, 1991. p. 1252

- « Déclaration sur le droit au développement » in « Recueil d'instrument internationaux » vol 1, 2 e partie, New york et Geneve 1994 pp.5 61 - 566

۱۰۶. در نسل سوم حقوق بشر علاوه بر «حق بر توسعه»، «حق بر صلح» «حق بر میراث مشترک بشریت»، «حق بر ارتباطات» و «حق بر محیط زیست» مطرح می باشد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به Youssoufi Abderrahmane "Réflexions sur l'apport de la troisième génération des droits de l'homme" in « Human rights at the dawn of the Twenty - First century », Karel Vasak, Amicorum Liber, Bruylant. Bruxelles. 1999, pp. 427-432

در ضمن امروزه نسل چهارم حقوق بشر نیز مطرح است برای مطالعه بیشتر رجوع شود به Bénar georges «vers des droits de l'homme de la quatrième dimension» in « Human rights at the dawn of the twenty - first Century », op. cit. pp. 75 - 114.

مشارکت سازمان یافته شهروندان در واقع همان سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه می‌باشند.

البته این بدان معنا نیست که سازمان های غیردولتی بعد از بروز این تحولات وارد قلمرو توسعه شده‌اند بلکه حضور آنها در این قلمرو قدمت دیرینه‌ای دارد. سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه فعالیت‌های خود را حول محورهای زیر انجام می‌دهند:

- جلب افکار عمومی کشورهای کمک کننده به مشکلات واقعی کشورهای جهان سوم، به منشأ این مشکلات و طرق حل آنها،
- حمایت فنی و مالی از ابتکارات توسعه مردمی در کشورهای جهان سوم،

- کمک به آموزش و توسعه سازمانهای غیردولتی مستقل واقع در کشورهای جهان سوم،

- اجرای طرحهای کوچک آزمایشی با همکاری یا توسط سازمانهای غیردولتی محلی،

- کمک به ایجاد نهادهای محلی یا ملی در کشورهای جهان سوم در قلمرو توسعه در میان و بلند مدت.

با وجود سازمانهای غیردولتی فراوان در قلمرو توسعه می‌توان فعالیت آنها در سه مورد مشاهده کرد.

- کمک های بشردوستانه و توسعه

- توسعه در سطوح محدود

– توسعه پایدار

باید متذکر شد برخی از سازمانهای غیردولتی هر سه نقش را همزمان یا در زمانهای متفاوت در کشورهای مختلف ایفا می کنند.^{۱۰۷}

II - فعالیت سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه را می توان به دو گروه تقسیم بندی نمود؛ بدین ترتیب که گروه اول شامل سازمانهای غیردولتی لاییک و گروه دوم در برگیرنده سازمانهای غیردولتی مذهبی می باشد. با توجه به کثرت زیاد آنها از هر گروه یک نمونه مورد مطالعه قرار می گیرد.

الف: فعالیت سازمانهای غیردولتی لاییک در قلمرو توسعه

یکی از مهمترین سازمان های غیردولتی لاییک در قلمرو توسعه «سازمان اقدام بین المللی بر ضد گرسنگی» است. این سازمان در سال ۱۹۷۹ در فرانسه به منظور کمک رسانی موردی به قربانیان گرسنگی در مناطق محروم جهان بوجود آمد. هدف این سازمان «ابتدا نجات انسانهای گرسنه از خطر مرگ و سپس توسعه کشور آنها» می باشد. این سازمان کلیه برنامه ها اعم از کوتاه، میان یا بلند مدت را در راستای یکدیگر و با هدف

107. Korten David "Micro – policy reform – the role of private voluntary development agencies", in community management – Asian experience and perspective, ed korten, Kumarian press, 1986. pp. 313- 315.

توسعه انجام می‌دهد. این سازمان ضمن کمک‌رسانی‌های فوری در زمینه‌های تعلیم و تربیت، بهداشت، کشاورزی، آموزش پزشکی به کشورهای نیازمند کمک می‌کند و هدفش خودکفایی این کشورها در زمینه‌های مزبور در بلندمدت است. این سازمان در کشورهای مختلف جهان از جمله اتیوپی، سودان، جنوب سودان، اوگاندا، لیبیا، ماداگاسکار، چاد، هاییتی، کامبوج فعالیت‌های مختلفی از جمله آموزش افراد در زمینه توسعه شهری، بهداشت عمومی و حفظ ساختارهای زیربنایی و تجهیزات، ایجاد کانالهای آبرسانی، مدرسه‌سازی، افزایش بازدهی محصولات کشاورزی و ساختن چاه داشته است.

مقر این سازمان در پاریس بوده و دارای ۱۷ پرسنل دائمی است، اما برنامه‌های این سازمان توسط ۷۰ داوطلب و ۳۰۰ حقوق‌بگیر محلی اجرا می‌شوند. قسمت اعظم بودجه این سازمان از منابع عمومی یعنی کمک دولت فرانسه و کمک سازمانهای بین‌الدولی بین‌المللی و منطقه‌ای تأمین می‌شود.^{۱۰۸}

ب: فعالیت سازمانهای غیردولتی مذهبی در قلمرو توسعه

از جمله مهمترین سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه «کمیته کاتولیکی ضد گرسنگی» است. این کمیته که برای مبارزه با گرسنگی در

۱۰۸. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

Beigbeder Yves. op. cit, pp. 147 – 150

Ressources publiques et privées en France, Le Monde, 3 Février 2001.

۱۹۶۱ در فرانسه ایجاد شد از ۱۹۶۶ مسأله توسعه را نیز به اهداف خود افزود. افزودن توسعه به اهداف قبلی کمیته در واقع پاسخ به ندای پاپ ژان بیست و سوم بود که از کلیساهای کاتولیکی خواست که برای مبارزه با گرسنگی بسیج شوند.

این کمیته در واقع یک فدراسیون متشکل از ۲۷ انجمن است که براساس قانون سال ۱۹۰۱ فرانسه ایجاد شده و منفعت عمومی آن نیز پذیرفته شده است.

کلیه این انجمن‌ها تلاش می‌کنند با اجرای برنامه‌های توسعه پایدار با همکاری شرکای محلی گرسنگی را از میان ببرند. اگرچه این کمیته یک سازمان مذهبی است اما کمک خود را بدون توجه به مذهب، فرهنگ و نظام سیاسی در قلمروهای بهداشت، کشاورزی، تعلیم و تربیت، آموزش، استخدام، مسکن و دفاع از حقوق بشر ارائه می‌نماید.

در سال ۱۹۹۰ این کمیته در ۶۷۷ عملیات توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی مشارکت کرده است.

مقر این سازمان در پاریس است و دارای ۸۰ پرسنل حقوق‌بگیر می‌باشد اما برنامه‌های آن توسط داوطلبان اجرا می‌شوند.

علاوه بر سازمانهای غیردولتی فرانسوی در قلمرو توسعه می‌توان از سازمانهای غیردولتی قوی‌تری در قلمرو توسعه یاد کرد که از آنجمله میزرار (Misereor) در آلمان، سیمو (Cebemo) در هلند، کاتولیک ریلیف

سرویسز (Catholic relife services) در آمریکا و اوکس فم (Oxfam) در انگلستان نام برد.^{۱۰۹}

III - مشکلات سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه

علاوه بر مشکل مالی که مبتلا به کلیه سازمانهای غیردولتی است، سازمانهای غیردولتی فعال در قلمرو توسعه مشکل عمده دیگری هم دارند که همانا عدم وجود اراده سیاسی قوی از سوی دولتها در امر توسعه است که این خود باعث کاهش بازدهی سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه می‌شود. در گزارش جهانی در مورد توسعه انسانی در سال ۱۹۹۱ اعلام شده است که افزایش روز افزون بودجه‌های نظامی، عدم کارآیی شرکتهای دولتی، تعداد فراوان طرحهایی که فقط بیانگر یک ژست سیاسی هستند تا یک واقعیت، فرار مغزها و سرمایه‌ها، وجود ارتشاء گسترده و ... سبب می‌شوند که منابع لازم در قلمرو توسعه از میان بروند. لذا باید دولتها در ترتیب اولویتهای خود تجدید نظر کنند. آنها باید «فراهم نمودن فضایی برای آزاد سازی انرژی افراد و ایجاد امکانات لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی» را بعنوان اولویت اول خود بپذیرند. آنها باید هدف را شکوفایی و استفاده از کلیه ظرفیتهای انسانی قرار دهند. سازمانهای غیردولتی در قلمرو توسعه هم باید از چنین امری حمایت و پشتیبانی کنند. بنظر می‌رسد که فقط در چنین وضعیتی امکان دگرگونی وجود داشته‌باشد.

۱۰۹. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به

Beigbeder yves, op. cit, pp. 154 - 159.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه گیری باید گفت که مطالعه سازمانهای غیردولتی نشان می دهد که این سازمانها سه مرحله را در طول حیات خود طی کرده اند. مرحله اول: این مرحله شامل پیدایش این سازمانها و استفاده از نظرات مشورتی آنها می باشد؛ که در این مورد ماده ۷۱ منشور ملل متحد نقش پیشگام را داشته است.

مرحله دوم: این دوران شاهد توسعه سازمانهای غیردولتی و گسترش قلمرو فعالیتهای آنها می باشد و بخصوص عملکرد آنها در عرصه های مختلف بخصوص بشردوستانه، حقوق بشر و توسعه گسترش می یابد.

مرحله سوم: این مرحله با پایان جنگ سرد آغاز شده است، و دورانی است که طی آن امکان گسترش فزاینده سازمانهای غیردولتی جوان و مستقل در کشورهای اروپای مرکزی، آفریقا و آسیا، که در حال گزار به سوی یک جامعه دموکراتیک می باشند، فراهم شده است. کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در ۱۹۹۳ نیز بر این مرحله صحنه گذاشته است، چونکه برای اولین بار در این کنفرانس به سازمانهای غیر دولتی داخلی نیز اجازه شرکت داده شد، در حالیکه شرکت تا آن زمان فقط برای سازمانهای غیردولتی بین المللی امکان پذیر بود.^{۱۱۰}

حال سؤالی که مطرح می شود این است که مرحله چهارم در حیات این سازمانها چه سرنوشتی را برای آنها رقم خواهد زد. بنظر می رسد که

110. Guillet sara « Nous, peuples des Nations unies » éd. Montchrestien paris, 1995, 179 pages.

نقش سازمانهای غیردولتی در این مرحله تلاش هرچه بیشتر برای تحقق جامعه مدنی باشد. جامعه‌ای که در آن افراد در قالب تشکلهای غیردولتی باید نقش اساسی نه فقط در اداره امور داخلی بلکه در اداره امور بین‌المللی داشته باشد.

بی‌شک سازمانهای غیردولتی در این مرحله با مشکلات زیادی از سوی دولتها مواجه خواهند شد. حتی دولتهایی که مدعی داشتن نظامی دموکراتیک از دیرباز هستند از مشارکت روزافزون سازمانهای غیردولتی در زندگی بین‌المللی ابراز نگرانی می‌کنند در همین راستا نظر اخیر وزیر امور خارجه فرانسه جلب توجه می‌کند. آقای هوبر ودرین (Huber Védrine) اظهار کرده است که ظهور سازمانهای غیردولتی در صحنه بین‌المللی یکی از عوامل خطرناک تضعیف دولتها محسوب می‌شود. او ادامه می‌دهد «آنها از دولت انتقاد می‌کنند در حالیکه این دولت است که هزینه‌هایشان را تأمین می‌کند».^{۱۱۱}

بنابراین چنین مرحله‌ای هوشیاری و استقلال بیشتر سازمانهای غیردولتی را می‌طلبد. اگرچنین شود بنظر می‌رسد که بتوان شاهد ایجاد جامعه مدنی بود که در آن دولتها مجبور باشند با شهروندان در قالب سازمانهای غیردولتی همکاری نموده و به نظرها و خواستههای آنها بعنوان بازیگران طرف دیگر روابط بین‌المللی توجه کنند. در چنین حالتی سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا جامعه بین‌المللی همچنان ساختار

111. "Les ONG s'imposent dans les relations internationales" in Le journal "le monde" du 3. Février 2001.

کلاسیک یادگار مانده از معاهدات وستفالی، یعنی «جامعه بین الدولی» را،
حفظ خواهد کرد؟

